# ایجاد تشنج و درگیری، یک عمل ضدانقلابی است

● ضدانقلاب که توطئه را برای اجرای نقشه هیگ، و ایجاد جنگ داخلی در ایران، از روزهای نخست سال نو آغاز کرده است، آنرا گام به گام گسترش می‌دهد.

● مجاهدین خلق! قبل از آنکه کاملا دیر شود، بخود آئید. به پیرامون خود بنگرید. جلادان ساواک و عمال امپریالیسم را ببینید، که چگونه زیر نام شما برای دریدن گلوی انقلابیون تیز می‌کنند.

● حزب توده ایران از مقامات مسئول کشور جدا می‌خواهد که با هشیاری و قاطعیت توطئه ایجاد تشنج و درگیری را خنثی کنند.

● حزب توده ایران از همه نیروهای راستین انقلابی، صرفنظر از تفاوت در عقاید سیاسی، مسلکی و مذهبی می‌طلبد که با اتحاد خود توطئه ضدانقلاب را افشا و سرکوب کنند.

تشنجها و درگیریهای سازمان‌یافته‌ای که از روزهای نخست سال نو در اکثر نقاط کشور آغاز شده، در دو روز گذشته به اوج خود رسید.

در دو روز گذشته بطور همزمان، به بهانه حوادث قائمشهر، در چند شهر بزرگ، ازجمله تهران، مشهد و اصفهان راهپیمائی‌های تحریک‌آمیزی، با شعارهای مستقیم علیه جمهوری اسلامی ایران، برگزار شد. در همه این راهپیمائی‌ها، بطور کاملا سازمان‌یافته، درگیری بوجود آمد و به آن دامن زده شد. همزمانی این درگیری‌ها با موج جدید بمب‌گذاری در نقاط مختلف کشور، نشان می‌دهد که امپریالیسم آمریکا درشرایط معین کنونی، نقشه الکساندر هیگ، وزیر امور خارجه آمریکا و فرمانده سابق «ناتو» را در «دستور روز» قرار داده‌است.

نقشه هیگ، که یکی از نقشه‌های سه‌گانه امپریالیسم جهانی، بسرکردگی آمریکا، برای نابودی انقلاب ایران است، از طرف خود او چنین اعلام شده است: «درصورت آغاز جنگ داخلی در ایران، ایالات متحده آمریکا امکان خواهد داشت به طرف مورد نظر کمک سریع بکند».

(کیهان ـ ۱۷ اسفند ۱۳۵۹)

آغاز اجرای این نقشه هم، از طرف یکی از جاسوسان آمریکائی، چنین به «سیا» گزارش شده است:

«اخبار دیروز تهران حاکی است تمام تخم‌های یك جنگ‌داخلی در ایران کاشته شده است. ما تجهیزات زیادی در ایران داریم، گروههای بسیاری در ایران وجود دارد آماده جنگ».

(از اسناد بدست آمده در لانه جاسوسی آمریکا در اصفهان، کمزیر نام دایره استقی فعالیت می‌کرد).

اجرای این نقشه درسال‌جدیدوقتی در «دستور روز» قرار گرفت که‌بدنبال فرمان ۱۰ ماده‌ای رهبر انقلاب، مسئولان

بقیه در صفحه ۷


# نامهٔ مردم

ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

دوره هفتم، سال سوم، شمارهٔ ۴۹۸ ـ سه‌شنبه ۸ اردیبهشت ۱۳۶۰
مطابق با ۲۳ جمادی‌الثانی ۱۴۰۱ ـ بها: ۱۵ ریال


## تبلیغات باید مبتنی بر حقیقت باشد

صفحه ۲

کارگر نفت‌ترکمنستان شوروی، نماینده کنگره بیست‌وششم حزب کمونیست اتحاد شوروی:

## سیاست اتحاد شوروی در پشتیبانی از انقلاب ایران، از این خواست سرچشمه میگیرد که ایران کشوری مستقل و دارای حق حاکمیت باشد

پشتیبانی دولت اتحادشوروی از انقلاب ضدامپریالیستی و مردمی ۲۲ بهمن و جمهوری اسلامی ایران در برابر دسیسه‌های براندازانه امپریالیسم بسرکردگی امپریالیسم ایالات متحده امریکا، همچنین و بویژه منایانگر همبستگی دیرینهٔ مردم شوروی با مردم ماست.

برای تمونه، کاروری امان‌وردیف، کارگر نفت ترکمن و یکی از نمایندگان کنگره بیست و ششم حزب کمونیست اتحاد شوروی، در کفتگوئی با «رادیو مسکو» (بزبان فارسی ـ ۱ اردیبهشت ۶۰)، گفت:

«جمهوری ما (ترکمنستان) با ایران مرز مشترك دارد و ما همیشه این مرز را مرز حسن‌همجواری بشمار می‌آورده‌ایم، زیرا ملل دو کشور ما از دوران انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر تاکنون با روح صلح و همکاری متقابلا سودمند بسر می‌برند».

کارگر ترکمنی، در ادامه کفتگوی خود، یادآور شد:

«مردم شوروی و از جمله ما کارکنان صنعت نفت خواست مردم ایران را مبنی بر برخورداری از حق استفاده از ثروتهای نفتی کشور بدلخواه خویش، عادلانه و مشروع می‌شمردیم. شرکت‌های آمریکایی و اروپای غربی، در برابر چپاول نفت ایران، مقادیر هنگفتی اسلحه به ایران شاهنشاهی واگذار میکردند و رژیم شاه با پول مردم ایران، برای امپریالیسم آمریکا پایگاه نظامی ایجاد میکرد. در پرتو «کمك» آمریکا، ایران به‌زندانی برای هزاران میهن‌دوست واقعی کشور مبدل‌شده بود. خوشبختانه این دوران دیگر سپری شده است، و در پرتو قهرمانی و دلیری مردم ایران و عشق بی پایانشان به‌میهن و آزادی، نظام ۲۵۰۰ ساله سلطنتی سرنگون شد و به مواضع امپریالیسم در ایران ضربه دندان‌شکنی وارد آمد و

بقیه در صفحه ۸

## ویژه‌نامهٔ «نامهٔ مردم» بمناسبت اول ماه‌مه

روز پنجشنبه ۱۰ اردیبهشت ماه ۱۳۶۰
در ۱۲ صفحه، با بهای ۲۰ ریال، منتشر میشود

### درباره پیام کمیته مرکزی حزب تودهٔ ایران بمناسبت اول ماه‌مه

## کاستن از فاصلهٔ وحشتناك طبقاتی وظیفهٔ مهم انقلاب است

امام خمینی، هنگام اقامت موقت در پاریس، در یکی از مصاحبه‌های خود با خبرنگاران خارجی این واقعیت را بیان داشتند که:

«این ثروتهای عظیمی که می‌بینیم جمع شده، اینها هیچکدام از حلال نیست، اینها از خیانت‌ورزی و اختلاس است و غیرمشروع جمع‌آوری شده والا چگونه اینها میتوانند، اینهمه ثروت گردبیاورند؟»

پنجاه سال سلطهٔ نظام استبدادی سلطنت خاندان پهلوی، که نمایندهٔ کلان‌سرمایه‌داران و زمین‌داران بزرگ و نئودالهای نارتکر بود، جامعه را با شتاب بسوی اقطاب فقر و ثروت کشاند. در یکسو طبقات و اقشاری که از راه چپاول، دزدی، رشوه‌ستانی، سوءاستفاده، جعل‌وتزویر و تقلب و کلاهبرداری صاحب آلاف و الوف، حساب بانکی، کوشك‌های رفیع، سهام کارخانه‌ها، زمین‌های پربار، خدم و حشم و رعیت و دایه و ـ لله شدند و از سوی دیگر اکثریت محروم جامعه و در صدر آنان کارگران و دهقانان زحمتکش، که زمین فرشش و آسمان لحافشان، محروم از کلیه نعم مادی، بازوی توانایشان را در خدمت آفرینش رفاه در چهره‌های گوناگون آن گذاشتند، خود از آن سهم محقر داشتند و یا اصلا نداشتند.

تا سلطهٔ خاندان خیانتکار پهلوی باقی بود، جامعه هر روز بیشتر بسوی قطبی شدن میرفت. ثروتمندان ثروتمندتر و فقیران فقیرتر میشدند. انقلاب، که بر دوش زحمتکشان به پیروزی رسید، پیروزی مستضعفان بر مستکبران بود، اما این پیروزی شگرف، نه در حد کفتار، بلکه در کردار باید تحقق پذیرد و برای تحقق آن، قوانین مصوب و کلیه تصمیمات و اقدامات مسئولین باید درجهت کم کردن فاصله وحشتناك طبقاتی و تعدیل ثروتهای باد ـ آورده‌ای باشد که به کفته امام خمینی: «از خیانت و دزدی و اختلاس» است. تا کاخهای فرعونی طاغوتیان ویران نشود، خانهٔ محرومان جامعه آباد نخواهد شد.

علیرغم برخی اقدامات بسود زحمتکشان و تصریح قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در مورد تامین کار و بهداشت و آموزش و مسکن برای محرومان، هنوز، در کمال تاسف، هیچ کشایش جدی در کار مردم مستضعف پدید نیامده و حتی گرانی و تورم بیسابقه، قدرت‌خرید آنانرا کاهش داده و زندگیشان را دشوارتر ساخته است. بدیهی است که محاصره اقتصادی امپریالیسم، جنگ تحمیلی و اقدامات تخریبی ضدانقلاب، موانع عمده‌ای برسر راه مسئولان و دلیل اساسی بی‌توجهی باین مسئله حیاتی بوده است. ولی برخی تسامح‌ها و تاخیرها را نیز نباید نادیده انکاشت.

هنوز قانون دولتی شدن بازرگانی خارجی به اجرا درنیامده که این خود از عوامل اساسی غارت بازرگانان بزرگ، حدت گرانی و کاهش قدرت خرید مردم بوده است. ۱۲۰۰ میلیارد ریالی که تجار بزرگ در دو ساله پس از انقلاب به‌جیب ریخته‌اند، از درآمد ناچیز کارگر و دهقان و پیشه‌ور و کارمند و روشنفکر حقوقبگیر بوده است. زمین‌داران بزرگ و نئودالها، باتکیه

بقیه در صفحه ۲

### اعلامیه سازمان حزب توده ایران ـ اصفهان:

## توطئهٔ هفتم آمریکا را در اصفهان خنثی کنیم

همزمان با راهپیمائی در شهر کرد و در چند نقطه دیگر کشور، به‌بهانه حوادث قائمشهر، که متجر به آشوب و درگیری شد، اصفهان نیز شاهد تشنج و درگیری بود. سازمان حزب توده ایران در اصفهان، بدنبال تشنج و درگیری در این شهر، اعلامیه‌ای منتشر کرد که متن آن چنین است:

«مردم قهرمان اصفهان!

بدنبال راهپیمائی در شهر کرد، به بهانه حوادث قائمشهر، که با فعالیت ساواکیها و پیکاریها مبدل به درگیری وسیعی شد، حرکت مشابهی در همان روز (ساعت ۵

بقیه در صفحه ۲

## کارگران و زحمتکشان ایران! جشن اول ماه‌مه را هرچه با شکوهتر برگزار کنید!

● روز بزرگ اول ماه مه، برای سومین‌بار درشرایط آزادی پس از پیروزی انقلاب، باشکوه و جلال تمام برگزار می‌شود. انقلاب شکوهمند ما محصول فداکاری شما کارگران، و سایر برادران زحمتکش در شهر وروستا، دوشادوش همه مبارزان خلق، با رهبری امام خمینی به پیروزی رسید. امروز روز دفاع از انقلاب، و فردا روز شکوفائی آنست. وظیفهٔ شماست که از این انقلاب با تمام نیروی خود دفاع کنید. تنها باحفظ دستاوردهائی، که انقلاب تا به امروز داشته، می‌توان راه را برای رسیدن به خواستهای بحق دیگر زحمتکشان هموار ساخت.

همه نیروهای خلق در دفاع از انقلاب مسئولیت دارند. لیکن سنگین‌ترین مسئولیت نگهداری از انقلاب ضدامپریالیستی و مردمی، بعهدهٔ طبقهٔ کارگر ایران است. طبقهٔ کارگر ایران در گذشته نقش تاریخی خود را باسربلندی ایفا کرده‌است. این طبقه تا به آخر انقلابی، درآینده نیز نقش سرنوشت‌ساز خود را درپاسداری از انقلاب، تعمیق و گسترش آن باسربلندی ایفاخواهد کرد.

● تشکل‌های صنفی و شورائی کارگران وزحمتکشان ایران از نظر حفظ دستاوردهای انقلاب، تعمیق و گسترش آن، یك ضرورت انقلابی است. باید به کارگران و زحمتکشان امکان‌داد و به آنها کمك کرد که از دانه وداوطلبانه در انجمن‌های صنفی (سندیکاها و اتحادیه‌ها) و شوراهای کارکنان گرد آیند و سازمانهای صنفی و شورائی خود را در همه سطوح تشکیل دهند.

● بزرگ مالکان، سرمایه‌داران وابسته، کلان‌تاجران و عناصر طفیلی وابسته به آنان، به توطئه‌های خود علیه موجودیت جمهوری اسلامی ایران و انقلاب ضد ـ امپریالیستی و مردمی افزوده‌اند. بامحو سرمایه‌داری وابسته، لغو بزرگ‌مالکی، ملی‌کردن بازرگانی خارجی و استقرار نظام توزیع دولتی و تعاونی و حمایت از خرده‌فروشی، توطئه‌های طبقات و اقشار وابسته، مرتجع و غارتگر را خنثی سازیم.

(از پیام کمیته مرکزی حزب تودهٔ ایران به مناسبت اول ماه مه)

# توطئه افغانیهای ضدانقلابی و رنجبری‌های آمریکائی با هشیاری و قاطعیت مامورین انتظامی و مردم خنثی شد

● گروه زیادی از توطئه‌گران دستگیر شدند.

دیروز در اوج گسترش تحریکات و تشنجات و درگیریها توسط ضدانقلاب، مائوئیستهای آمریکائی و فریبخوردگان چهره در سراسر کشور، افغانی‌های ضدانقلابی و رنجبری‌های امریکائی و دیگر باندهای ضدانقلابی نیز درصدد برآمدند تا با برپائی یك راهپیمائی تحریك‌آمیز تهران را به آشوب بکشند. آنان در دو مسیر، که از میدان امام خمینی و میدان امام حسین آغاز میشد، دست به راهپیمائی زدند و هدف آنها این بود که در پایان به سفارت اتحاد شوروی حمله کنند و با این عمل از یك طرف انظار را از توطئه‌های امپریالیسم امریکا منحرف سازند و از طرف دیگر بکوشند تا در مناسبات میان جمهوری اسلامی ایران و اتحاد شوروی خلل وارد سازند.

آنها با طرح شعارهای تحریك‌آمیز، خود را به میدان فردوسی رسانیدند، اما هشیاری و قاطعیت مامورین انتظامی و مردم حاضر در محل، توطئه آنها را درهم شکست.

تعدادی از توطئه‌گران، که علیرغم تاکید پیاپی ماموران انتظامی و دعوت آنها به متفرق شدن، به تحریك و بلوا ادامه میدادند، دستگیر شدند. از برخی دستگیرشدگان مقادیر زیادی وسایل ضرب و جرح و تخریب بدست آمد. گزارش خبرنگار «نامه مردم» حاکیست که مردم در دستگیری و پراکندن آشوبگران فعالانه با ماموران انتظامی همکاری میکردند. تعدادی از بلوا کنندگان و محرکین آنها توسط مردم دستگیر و تحویل ماموران انتظامی شدند.

## توطئه‌گران افغانی در مشهد به پلیس حمله کردند

در مشهد نیز عده‌ای از ضدانقلابیون افغانی و مائوئیست‌های امریکائی بطرف کنسولگری اتحاد شوروی راهپیمائی کردند و قصد ایجاد تشنج و درگیری داشتند. مامورین انتظامی درصدد متفرق کردن آنها برآمدند، ولی توطئه‌گران به پلیس حمله کردند و چند مامور پلیس را مضروب ساختند. پلیس تقاضای کمك کرد و نیروهای انتظامی کمکی بهمراه مردم، گروهی از مهاجمین را دستگیر کردند و توطئه درنطفه خفه شد.

بر مسئولین جمهوری اسلامی ایران است که با شناسائی توطئه‌گران، سر نخ این تحریکات و توطئه‌ها را، که بیشك به ضدانقلاب و عوامل امپریالیسم امریکا ختم میشود، بیابند و مجرمین را دستگیر کنند و به مجازات برسانند.

### دوسال پس از انقلاب

# ساواکی ها همچنان عامل بمب گذاری و محرك توطئه ها هستند

آقای بهزاد نبوی وزیر مشاور در امور اجرائی و سخنگوی دولت، در مصاحبهٔ مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی اخیر خود، ضمن اشاره به توطئه‌ها، تحریکات و درگیریهائی که اینروزها درگوشه و کنار کشور به اجرا در می‌آید، در مورد شرکت کنندگان در این توطئه‌ها، از جمله گفت:

**«دسته‌های مختلفی در این کارها شرکت دارند. ساواکیهای سابق هستند که دراثر سوء سیاست ما متاسفانه اینها علیه انقلاب نیز در توطئه شرکت می‌کنند. درصورتیکه روزهای اول اینها زمانی که من در کمیته بودم، می‌آمدندومی‌گفتند که ما (ساواکیها) را دستگیر کنید، چون می‌ترسیدند که به محله خودشان بروند. ولی کم‌کم آمدند تا جائی که اینجا برای حقوق خود متحصن‌شدند و حالا هم در توطئه‌ها شرکت می‌کنند... در اثر برخورد نامناسب وضعیت، اینها به خودشان این اجازه را دادند که حتی از شرکت‌در این توطئه‌ها هم ابا نداشته باشند و فکر می‌کنم که عمده این بمب‌گذاریها کار این جماعت باشد.**

(«جمهوری اسلامی»، ۷ر۲ر۶۰)

از اظهارات آقای بهزاد نبوی دونتیجه بدست می‌آید:

نخست آنکه ساواکیها همانگونه که دوسال است نیروهای انقلابی، بویژه حزب توده ایران، با پیگیری و از سردلسوزی‌هشدار داده‌اند، واقعا خطرناکند و نیروی اصلی سربازگیری ضدانقلاب سازمان یافته و جنایتکار را تشکیل میدهند.

دوم آنکه اگرساواکیهادراثر «سوءسیاست» و «برخورد نامناسب» مسئولین، چنین جسور شده‌اند و اکنون با بمب‌گذاری مردم‌بیگناه را کشتار می‌کنند، و در تمامی توطئه‌ها علیه انقلاب شرکت فعال دارند، لازم است هرچه سریعتر و فوری‌تر با «سیاست درست» و «برخورد مناسب»، با این گروه جنایتکار و توطئه‌گر رویرو شد و انقلاب را از گزند این عقرب‌های جرار رهانید.

باید لیست ساواکیها را منتشر کرد. آنها را از تمامی ارگانهای کشوری و لشکری تصفیه نمود، ساواکیهای کارکشته و کارآزموده را با عکس و تفصیلات به‌مردم معرفی کرد و خواستار معرفی و دستگیری آنها شد و بالاخره در برقراری نظم و آرامش و ممانعت از عمل بی قانون و بی‌مسئولیت گروههای چماقدار، که بدون تردید ساواکیها خود را در بین آنها جا زده‌اند، کوشید.

اظهارات آقای بهزاد نبوی بیانگر درك صحیح خطر این گروه مزدوران برای انقلاب ایران است.

منافع انقلاب ایجاب می‌کند که هرچه‌سریعتر این حرف با عمل پیوند یابد.

# طبس وستون پنجم دشمن

سالروزتجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا به طبس، درست در اوج توطئه‌های رنگارنگ امپریالیسم امریکا و ضدانقلاب داخلی برای منهدم ساختن انقلاب ایران، به مثابه‌هشداری آمدو گذشت. هشدار به مسئولین و نیروهای انقلابی نسبت به آن ریشه‌های پلیدی که در داخل با توطئه‌های امپریالیستی پیوند دارند و هر آن می‌توانند بار دیگر در توطئه مشابهی، با شیطان بزرگ تشریك مساعی کنند.

بیهوده نبود و نیست که کلیه مطبوعات انقلابی در سالروزتجاوز نظامی امپریالیسم امریکا، به نیروهای داخلی که در این توطئه با امپریالیسم امریکا همکاری داشتند، پرداختند و از شهید منتظرقائم، فرمانده سپاه‌پاسداران یزد، که هنگام دستیابی به‌اسناد سری هلیکوپترهای متجاوز، براثر بمباران نیروی هوائی به شهادت‌رسید، بعنوان شهیدتوطئه این مزدوران یاد کردند. و باز بیهوده نیست که کلیهٔ نشریات ضدانقلابی، مائوئیستی و لیبرال، از کنار این واقعه با سکوت گذشتند.

روزنامهٔ کیهان در این مورد می‌پرسد:

**«آیا ما با پیگیری‌ودستگیری و افشای ستون پنجم امریکا، رسالت رساندن پیام خون این شهید (منتظرقائم) را به انجام رسانده‌ایم؟»** (۶ اردیبهشت ۶۰)

و می‌افزاید:

**«واقعیت اینطور نشان میدهد که با وجود گذشت یکسال از این واقعه، در زمینهٔ شناسائی عوامل کمك‌کننده به آمریکا در این توطئه و نیز علت بمباران هلیکوپترها و شهید شدن برادر محمدمنتظر قائم، اقدام جدی صورت نگرفته است. از آنجاکه افشای چهره‌های منافق و خائن به انقلاب‌و مزدور اجنبی درخنثی کردن توطئه‌های بعدی امریکا موثر است، امیدواریم که مقامات مسئول توجه خاصی نسبت به‌این مسئله مبذول دارند.»**

ما هم همین امید را داریم.

# تشنج ودرگیری گسترده در تهران

دیروز «مجاهدین خلق» در یك راهپیمایی که از میدان‌فلسطین آغاز شد و به‌پیچ‌شمیران ختم گردید، شرکت کردند. این‌راهپیمایی همانگونه که از ابتدا قابل پیش‌بینی بود، به‌تشنج و درگیری گسترده‌ای در تهران، منجر شد و گروهی زخمی برجای نهاد. دراین واقعه مائوئیست‌های آمریکایی «رنجبران»، «پیکار» و نظایر آنها و نیز عناصر ضدانقلابی و مشکوك تلاش کردند تا آنجا که ممکن است، ابعاد درگیری و تشنج را گسترش بخشند و متاسفانه ناموفق نیز نبودند.

حزب تودهٔ ایران، همانگونه که بارها تاکید کرده است، هرگونه ناآرامی، تحریك، تشنج و ناامنی را بویژه در شرایط‌حساس فعلی تنها به‌زیان انقلاب می‌داند و به‌همگان توصیه کرده و می‌کند که باتمام قوا از دام تحریك بپرهیزند و مانع از ایجاد شرایطی‌شوند که به‌انقلاب لطمه وارد آید.

حوادث دیروز تهران که‌تشنجات وسیعی را در دنبال داشت، بیشك جز به زیان انقلاب نبود.

# کاستن از فاصله...

بقیه از صفحهٔ ۱

بر پیروان اسلام امریکائی، مانع از اجرای بند «ج» و «د» شده‌اند و در نتیجه‌دهقانان، این اکثریت عظیم خلق، همچنان در دریای فقر غوطه میخورند.

پس غفلت‌ها و رخوت‌ها باید هرچه زودتر جبران شود.

باید قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را هرچه زودتر به اجرا درآورد، که مصرحات روشن درباره تعدیل ثروت و استقرار عدالت اجتماعی دارد. باید چنان مناسباتی میان کار و سرمایه برقرار کرد، که از سود کارخانه‌میلیونها نصیب کارفرمای خصوصی و چندصد ریال سهم کارگر نباشد. باید قوانین مالیاتی را، که براساس حفظ مواضع غارتگرانه کلان‌سرمایه‌داران و زمینداران‌بزرگ وضع شده بود، زیر و رو کرد.

قوانین مالیاتی که، تاکنون بار سنگینی بر دوش طبقات و اقشار زحمتکش بود، بایدچنان دگرگون شود که لبه تیز آن متوجه اغنیا گردد و با وضع مالیاتهای تصاعدی بر درآمدهای کلان، از تکاثر جلوگیری‌شود.

امیدبخش است که نخست‌وزیر، هنگام تقدیم بودجه سال ۱۳۶۰ به مجلس شورای‌اسلامی، تدوین سیستم جدید مالیاتی را نوید میدهد، که باید به «رفع اختلافات طبقاتی» کمك کند. آقای‌رجائی اظهار امیدواری کرده است که دولت بتواند به تعدیل نسبی ثروت و جلوگیری از تکاثر دست یابد.

در پیام کمیته مرکزی حزب تودهٔ ایران بمناسبت اول ماه مه نیز گفته میشود:

**«تعدیل ثروت از راه تعیین مالیاتهای تصاعدی مستقیم از اهرم‌های جدی بهبود وضع اقتصادی ـ اجتماعی بسودزحمت‌کشان‌است. مردم میخواهندمجلس شورای اسلامی ایران و دولت انقلاب با تنظیم بودجه انقلابی و مردمی گامهای جدی در این زمینه بردارد.»**

فقیه عالیقدر آیت‌الله‌منتظری در خطبه نماز جمعه ۱۴ فروردین ۶۰ میگوید:

**«اسلام با هرگونه اختلاف طبقاتی، که موجب شود که در کنار کاخهای شما، کوخ‌نشین وجود داشته‌باشد، مخالف است.»**

نظام جمهوری اسلامی ایران باید این رسالت را به انجام رساند که جامعه بسوی استقرار عدالت اجتماعی پیش رود، کاخ و کوخ به گورستان تاریخ‌سپرده شود و بجای آنکه از کاخ‌نشین و کوخ نشین سخن رود، سخن از انسان آغاز شود.

## کمك مالی به حزب تودهٔ ایران، یك وظیفهٔ انقلابی است!

سارا، بحزب پدرش از آبیك ۵۰۰ ریال
فصیح ۵۰۰۰ ریال
ا. پ ۵۰۰۰ ریال
مهری م. از رضائیه ۱۰۰۰ ریال
ا. پ ۵۰۰۰ ریال
گرگین‌ازبرلین‌غربی ۲۰ دلار
سازمان حزب در خرم‌آباد ۵۰۰۰۰ ریال
الماس از خرم‌آباد ۵۰۰ ریال
شهناز و مرضیه از بوشهر ۸۵۰ ریال
مرسده‌از بندرانزلی ۱۰۰۰۰ ریال
صیادان هوادار حزب از آبکنار بندرانزلی ۵۰۰۰ ریال
سازمان‌حزب در فومن ۳۷۰۰ریال
گیلك و گیلیار از لنگرود ۳۰۰۰ ریال
مجید از روستای چونجنان لشت نشاء ۳۰۰ ریال
پویا ۱۰۰۰ ریال
سارا از قزوین ۲۹۰۰ ریال

## تصحیح

در بخش دوم «پرسش وپاسخ» جلسهٔ ۳۱ فروردین ۱۳۶۰ که‌در شماره دیروز «نامه مردم» (۷ اردیبهشت ۱۳۶۰) درج شد، غلطهای زیر وجود داشت که‌با پوزش از خوانندگان در اینجا تصحیح می‌شود:

۱ـ صفحهٔ ۵ ـ ستون یك، سطر ۱۹ ـ رقم ۴۲۵ میلیون نادرست و رقم ۴۲۰ میلیون‌درست است.

۲ـ صفحهٔ ۵ـ ستون یك، سطر ۲۰ـ رقم ۱۲۰ میلیون نادرست و رقم ۱۲۰ میلیارد درست است.

۳ـ صفحهٔ ۵ـ ستون ۳، سطر ۳۹، پس از عبارت «مسائل را مطرح بکنیم»، این سئوال می‌آید:

«س ـ عده‌ای از رفقای حزبی می‌پرسند آن اعضای حزب که بازداشت‌شده‌اند و ازآنها‌تعهدنامه خواسته می‌شود، چگونه باید‌عمل کنند؟».

# قانون کار مدافع سرمایه داری باید بگور سپرده شود

آقای حسین هراتی عضو کمیسیون کار مجلس شورای اسلامی، در گفتگوئی با روزنامهٔ کیهان، ازجمله گفته‌است:

**«البته امروز برای برادران کارگر ما سه مسئله‌مطرح است. یکی مسئله قانون کار است... ما هم باین قانون کاری که از کشورهای امپریالیستی و سرمایه‌داری ترجمه و دیکته شده، معتقد نیستیم... تعدادی‌از برادران، چند ماهی است که‌در وزارت کار مشغول تدوین قانون کار هستند و امیدواریم هرچه سریعتر با تقدیم آن به مجلس شورای اسلامی، این خواست برادران ما عملی شود.»**

اظهارات آقای هراتی درست است. قانون کار فعلی، که‌هنوز ۲ سال بعد از انقلاب بزرگ ضدامپریالیستی و مردمی‌ایران، که طبقه کارگر در آن نقش درجه‌اول و تعیین کنندهٔ داشت ـ بر روابط کار و سرمایه حکمفرماست، قانونی است ارتجاعی‌و ضد کارگری و درواقع لایق همان رژیمی است که به گور سپرده شده است. پس مسئولین انقلابی و متعهد امور کار و کارگری نیز باید هرچه سریعتر این قانون را نیز بدنبال تدوین‌کننده‌اش، بگورسپارندوقانونی که بر کار و کارگر، عزت و شرف بنهد، کارگر را بر سرمایه‌دار ترجیح دهد، از اجحافات‌ظالمانه و غیرعادلانهٔ سرمایه بر کار ممانعت کند و یك زندگی شرافتمند و انسانی برای کارگر و خانواده‌اش تامین کند، تدوین نمایند.

طبقه کارگر و همه نیروهای انقلابی ایران با بیصبری در انتظار چنین قانون کاری هستند.

## درجنگ عادلانه برضد رژیم صدام حسین و برای دفاع ازمیهن انقلابی، شرکت کنیم!

# تبلیغات باید مبتنی بر حقیقت باشد

**واژهٔ «تبلیغات» در اذهان مردم ما، طی سالیان دراز مفهومی معادل دروغ و دروغپراکنی داشته است. مردم به هم می‌گفتند: «باور نکن آقا! تبلیغات است». این خود از یکسو هشیاری ذهن عمومی و خرد توده‌های میلیونی را میرساند، که فریب تبلیغات دروغین را نمی‌خورند و از سوی دیگر نشان میدهد که واقعیات سرسختند و سرانجام از پشت دود غلیظ دروغ و دروغپراکنی، در معرض دید و شناخت مردم قرار میگیرند.**

این سخن درست است که مردم را میشود برای مدت کوتاهی و نیز عده کمی را میتوان برای مدت درازی فریب داد، ولی جامعه را نمیتوان برای همیشه فریفت. تجربه، هم در کشور خود ما و هم به مقیاس جهانی اثبات کرده و میکند که تبلیغات دروغین، در آخرین تحلیل، به‌زیان مبلغان دروغ تمام میشود و آن تبلیغاتی میتواند عقول و قلوب مردم را تسخیر کند که بیان حقیقت باشد.

ما وظیفهٔ خود میدانیم، و یکمان ما این وظیفه تمام نیروهای صدیق به انقلاب است، که کوشش بعمل آید تا واژهٔ «تبلیغات» در اذهان مردم مفهومی معادل بیان حقیقت پیدا کند. ما وظیفه داریم که بمردم حقیقت و فقط حقیقت را بگوئیم، تا به نیروی باور و اعتماد مردم به تبلیغات، ضامنی مطمئن برای تثبیت و تحکیم و گسترش و پیروزی قطعی و نهائی انقلاب ایجاد کنیم.

در دوران رژیم «آریامهری»، یکی از بزرگترین ارقام بودجه دولتی، رقم هزینه‌های «تبلیغاتی» بود. در این رژیم دستگاه عظیم «تبلیغاتی» بوجود آمد، تا شب و روز بوسیلهٔ رادیو، تلویزیون، مطبوعات، فیلم و غیره دروغ به خورد مردم دهد، رژیم دست‌نشانده را «مستقل»، رژیم ضدخلقی را «خادم» مردم، استثمار وحشیانه را «دفع استثمار»، غارت امپریالیستی را رهگشا بسوی «تمدن بزرگ»، تجاوزسوا کی را «امنیت»، وطن‌فروشان را «میهن‌دوست»، میهن دوستان را «بی‌وطن»، انباشت قفر موحش و ثروت بی‌حساب را «توزیع عادلانه ثروت» بنمایاند. این دستگاه تبلیغاتی از هر شگردی برای وارونه جلوه‌دادن حقایق استفاده کرد: ازجعل اخبار، از دروغ بزرگ و از دروغهای ظریف، ازتکرار مداوم آنها، از تحریف تاریخ، از «اندیشمندان» و تحلیل‌های «علمی» آنها، از شیوائی قلم ادبا و نویسندگان خودفروخته، از شعرای مداح، از وعاظ‌السلاطین وابسته، از نشخوار اخبار وتفسیرها و تحلیل‌های «امپریالیسم خبری» و مزدورانش.

نتیجه چه شد؟ این نتیجه بهنگام قیام انقلابی یکپارچه خلق ما معلوم شد. معلوم شد که مردم به تبلیغات دروغین «آریامهری» باور نکرده‌اند. برعکس، این تبلیغات در مردم ناباوری ایجاد کرده و ناباوری به خشم ارتقاء یافته است. معلوم شد که حقیقت زندگی بمراتب تواناتر از هرگونه دروغ است، هرقدر هم که رنگارنگ و درازمدت باشد.

در مقیاس جهانی نیز، با اندك دقتی، میتوانیم به‌بینیم که «تبلیغات» بمعنای دروغ‌سازی و دروغ‌پراکنی، به نتیجه مطلوب جهانخواران نرسیده است. بیش از سه قرن استعمارگران تبلیغ کردند که استعمار، اشاعه و گسترش «تمدن» است. ولی سیستم استعماری کهن زیرضربات «عصیان» خلقهای کشورهای مستعمره متلاشی شد.

از بعد از جنگ جهانی دوم، امپریالیسم، بسرکردگی آمریکا، به کمك رادیو، تلویزیون، سیل مطبوعات رنگارنگ، بهره‌گیری از تکنیك مدرن، شبکه تلفنی مستقیم، تلکس، ماهواره‌های مخابراتی ... دستگاه فوق‌العاده عظیمی را برای «تبلیغات» بکار گرفت. غول بی شاخ و دم تشنه بخونی از «کمونیسم» ساخته شد که میخواهد جهان را ببلعد و امپریالیسم، بسرکردگی آمریکا، منجی خلقهای جهان از چنگ «خطر» این غول معرفی شد. استعمار کهن در زورق استعمار نوین عرضه شد و پذیرش آن، «تمدن» و «ترقی» عنوان گردید. به هر جنبش استقلال‌طلبانه برچسب «کمونیستی» زده شد، که تعهد و رسالت تاریخی آمریکا، سرکوب آن برای نجات خلقها است. در آشپزخانه تبلیغات امپریالیستی تئوری ظریف «دو ابرقدرت» و تئوری ظریفتر «سه‌جهان» اختراع شد. گروهکهای هرج‌ومرج‌طلب وگروهك‌های تروریست بنام «چپ نو»، «مارکسیست ـ لنینیست انقلابی»، مائوئیست و غیره بوجود آمد، تا چهرهٔ «کمونیسم» بصورت دشمن مخوف خلقها «عملا» عرضه شود. بنام «دفاع در برابر خطر کمونیسم»، زنجیره‌ای از پیمانهای نظامی بوجود آمد و بیش از صد کشور جهان را دربر گرفت. خلاصه «خطر کمونیسم»، «خطر شوروی»، تبلیغ ضدکمونیستی و ضدشوروی پایه و محور دستگاه عظیم تبلیغاتی امپریالیسم قرار گرفت، تا در پشت دود آن، امپریالیسم، بسرکردگی آمریکا، بتواند بجلو بخزد و بعنوان منجی، جهان را یکسره بزیر سلطه بکشد.

نتیجه چه شد؟ این نتیجه با گسترش طوفان‌آسای جنبشهای رهائیبخش ضدامپریالیستی خلقهای سراسر جهان معلوم شد. معلوم شد که تبلیغات دروغین نمیتواند خاك در چشم خلقها بپاشد. معلوم غلیظ تبلیغات دروغین، حقیقت را به‌بینند، دشمن خود را بشناسند، راه نجات واقعی را بیابند. وروند شد که توده‌های میلیونی میتوانند از پشت دود این شناخت و رهائی هر روز عمیق‌تر و گسترده‌تر ادامه دارد و تاسپردن امپریالیسم بگورستان تاریخ، یا شتابی روزافزون ادامه خواهد یافت.

دوسال و اندی است که از پیروزی رهائیبخش انقلاب ما میگذرد. ولی ما باید اذعان کنیم که در تبلیغات ما، چه دولتی و چه غیردولتی، هنوز رسوبات تبلیغات امپریالیستی، بازمانده‌های شیوهٔ تبلیغات دروغین باقی است. و نیز باید اذعان کنیم که پاك‌کردن این رسوبات و ریشه‌کن‌کردن این بازمانده‌ها، کار ساده و کوچکی نیست که بتوان در عرض دو سال به انجام کامل آن توفیق یافت، بویژه بدلیل اینکه هنوز ضدانقلاب و متحدانش، امپریالیسم و عمال و هوادارانش، میدان مبارزه را در هیچ زمینه‌ای، ازجمله در زمینه تبلیغات، خالی نکرده‌اند و هرکجا دستشان برسد، ازجمله در تبلیغات، زهر خود را میریزند؛ و نیز بدلیل اینکه این رسوبات و بازمانده‌ها، ازجمله در اذهان این یا آن فرد صدیق و متعهد نسبت به انقلاب، هنوز باقی است، که گرچه باعث تاسف است، ولی طبیعی است.

ولی وظیفه انقلابی همه متعهدان و وفاداران راستین به انقلاب، کوشش مجدانه و مستمر برای پاك‌کردن و زدودن رسوبات و بازمانده‌های تبلیغات دروغین است، حقیقت‌جوئی و حقیقت‌گوئی، شناخت واقعیت و انعکاس آن است. تبلیغات در جمهوری اسلامی ایران باید بیان عین حقیقت باشد، تا با واقعیات، که سرسختند، در تناقض قرار نگیرد، تا بیشتر و بیشتر صحت آن، دربرخورد با ملاك واقعیت، اثبات شود، تا قابل باور مردم گردد، تا هرچه‌بیشتر اعتماد بوجود آورد، تا بسیجنده نیروی خلق در مبارزه برای دستیابی به اهداف انقلاب، پیروزی قطعی و نهائی انقلاب گردد.

در راه انجام این وظیفهٔ انقلابی چه باید کرد؟

بنظر ما، قبل از هرچیز باید از نفوذ «امپریالیسم خبری» در سیستم تبلیغاتی جمهوری اسلامی ایران مجدانه جلوگرفت. این نفوذ متاسفانه هنوز باقی است. هنوز اکثر اخباری که به‌عنوان خبر از صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران پخش میشود ویا در مطبوعات کشور منتشر میشود، ازخبرگزاریهای دروغ‌ساز امپریالیستی (آسوشیتدپرس، یونایتدپرس، رویتر، فرانس‌پرس) است. این اخبار یا بکلی ساختگی و کذب محض‌اند، یا مخلوطی هستند از راست و دروغ، یا تحریف‌حقیقت‌اند، و درهرصورت مغرضانه و بسوداهداف امپریالیسم وارتجاع همدست امپریالیسم تهیه و عرضه میشوند.

ممکن است گفته‌شود که کشورما خبرگزاری گسترده‌ای، که بتواند به اخبار از منابع موثق دست یابد، فعلا ندارد، دائرهٔ فعالیت خبرگزاری پارس هنوز محدود است و لذا ما، نظر به اینکه بهرحال لازم است اخبار حوادث جهان را باطلاع مردم خود برسانیم، پس بناچار میبایستی اخبار «امپریالیسم خبری» را تکرار کنیم.

این دشواری در کار خبر پراکنی البته‌وجود دارد، ولی به‌نظر ما علاج هم دارد. علاج آن، به‌نظر ما، اینستکه:

اولا آن اخباری را دربین‌اخبار خبرگزاریهای امپریالیستی انتخاب کنیم که افشاگر نظام سرمایه‌داری امپریالیستی و سیاست جهانخوارانه، اقدامات تجاوزگرانه، ستمگری و پوسیدگی آن باشد. چنین اخباری دربین اخبار «امپریالیسم‌خبری» وجود دارند، گرچه‌بندرت. بصورت «جمجمه‌ای‌دروغ» حقیقت در «صدبیمانه آب» دروغ. عرضه آن هم از سوی «امپریالیسم خبری» برای راست‌جلوه‌دادن سیل اخبار دروغ‌است. باید آموخت که‌این‌راستهای نادر را از انبوه دروغها جدا کرد.

ثانیاغیرازخبرگزاری‌های امپریالیستی، اکثر کشورها دارای خبرگزاری و یا منابع خبری هستند. با توجه به اینکه این منابع خبری، زیر نفوذ «امپریالیسم خبری» قرار نگرفته‌باشند میتوان اخبار این کشورها را از منابع خبری خود آنها گرفت و پخش کرد.

ثالثا در جهان ما خبرگزاریهای متعلق به کشورها سوسیالیستی هستند. شیوهٔ آنها تحقیق درصحت اخبار و سپس پخش آنهاست. اگر هم برخی‌ها به‌حقیقت‌گوئی آنها هنوز بقدر کافی باور ندارند، لااقل میتوان از شیوه «تقاطع اخبار» آنها با اخبار خبرگزاریهای امپریالیستی، برای شناخت اخبار حقیقی، استفاده کرد، باین معنی که اگر خبری مثلا از آسوشیتدپرس پخش میشود و عین آن خبر از تاس (خبرگزاری شوروی) منتشر میگردد، آنگاه میتوان به صحت خبر اطمینان‌داشت و به پخش آن مبادرت کرد.

ولی رسانه‌های گروهی ما چگونه عمل می‌کنند؟ اخبار جهان سرمایه‌داری و کشورهای رشد‌یابنده و حتی کشورهای سوسیالیستی را تقریبا همیشه از منابع «امپریالیسم خبری» میگیرند وپخش میکنند. اخبار مثلا هند، نه ازمنابع رسمی هند و یا از خبرگزاری هند، بلکه غالبا از منابع خبرگزاریهای امپریالیستی اخذ و نقل میشود. اخبار دیگر کشورهای «جهان سوم» نیزبه‌همچنین. اخبار کشورهای سوسیالیستی نیز بطور عمده بهمچنین. حتی مثلا مندرجات روزنامه «پراودا»، که کتبی است، از قول مثلا «فرانس‌پرس» نقل‌میشود، که تحریف مغرضانه‌ای بیش نیست. این نحوه عمل درمورد اخذ و پخش اخبار، نحوه عمل مضری است که باید در آن تجدیدنظر اساسی شود. اگر قبول‌داریم که، برخلاف گذشته، ما موظف هستیم اخبار درست و حقیقی به‌اطلاع مردم خود برسانیم، باید وضع کنونی پخش اخبار را از ریشه دگرگون کنیم. این دربارهٔ اخبار.

ولی تبلیغات فقط اخبار نیست. سیلی از انواع نوشته‌ها در رشته امور اجتماعی ـ سیاسی ـ اقتصادی ـ فرهنگی ـ نظامی بصورت مقاله‌ها، تحلیل‌ها، تفسیرها، تحقیق‌ها، گزارش‌ها، رپرتاژها... بوسیله خبرگزاریها و کنسرن‌های مطبوعاتی در کشورهای امپریالیستی و در «جهان سوم»، بوسیله روزنامه‌ها، هفته‌نامه‌ها، ماهنامه‌ها، رنگین‌نامه‌ها، جزوه‌ها، کتابها، بولتن‌ها، نشریات‌متعلق به انستیتوی‌های تحقیقاتی، وزارت‌خانه‌ها و موسسات خصوصی پخش میشود که‌همه آنها ابزار استعمار بسود امپریالیسم و استعمارند.

باید مجهز به «میکروسکپ» حقیقت‌بینی بود، تا بتوان ذرات نادر حقیقت را در میان انبوه زباله دروغی که امپریالیسم بدین‌وسیله پخش میکند، یافت. ترجمه و پخش عین آنها خدمت مستقیم به امپریالیسم است، گرچه این‌خدمت ناخواسته‌باشد.

بدتر از نقل «اخبار» منابع خبری امپریالیستی و بدتر از ترجمه و پخش نوشته‌های تشریحات رنگارنگ امپریالیستی، ترجمه و پخش این نوشته‌ها، بدون ذکر منبع، بعنوان «تالیف» است. «مولفین» اینگونه «تالیف‌ها» را، به نظر میرسد، دیگر نباید در زمره فریب‌خوردگان و یا غرب‌زدگان دانست. اینان را، قاعدتا، باید در زمره مبلغان مزدور یا «بی‌جیره و مواجب» امپریالیسم و یا، در بهترین حالت، در زمره فروشندگان «کالا» محسوب داشت، که میدانند مردم ما به‌نوشته‌های نشریات امپریالیستی باور ندارند و لذا خدمه‌گرانه سعی دارند همان زباله را بنام محصول «خودی» به مردم عرضه کنند، تا شاید آنرا بپذیرند. ترجمه و پخش نوشته‌های تبلیغاتی امپریالیستی، بدون ذکر منبع آنها و بعنوان «تالیف»، در هر حال عملی است نه فقط زیان‌بخش، بلکه قبیح.

**★ تبلیغات دروغین، متعدضدانقلاب و تبلیغات راستین، متحد انقلاب است**

**★ باید به هوشیاری و خرد عمومی، در تشخیص راست از دروغ، درپذیرش راست وعدم پذیرش دروغ اعتماد داشت.**

**★ زنهار که تبلیغات دروغین سرانجام نتیجه معکوس ببار می‌آورد**

آزادی مطبوعات بیشك یکی از بزرگترین دستاوردهای انقلاب است که در جمهوری اسلامی ایران باید طبق قانون مطبوعات رعایت و محترم شمرده شود، از جمله آزادی ترجمه و پخش مطبوعات خارجی حتی از کشورهای سرمایه‌داری. ولی این وظیفه نیروهای صدیق انقلابی‌است که‌از ترجمه و پخش‌نوشته‌های تبلیغاتی‌امپریالیستی پرهیز کنند، در جستجوی حقیقت باشند، کوشش کنند که بیانگر حقیقت و فقط حقیقت باشند.

فرض کنیم که فلان روزنامه‌نگار یا فلان نویسنده صدیق و وفادار به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران بخواهد تفسیری و یا نوشته‌ای‌درباره سیاست خارجی هند نسبت به «دو ابرقدرت»بنویسد. اگر او منبع اطلاعات خود را به چند خبر و چند مقاله از «امپریالیسم‌خبری» و مطبوعات امپریالیستی منحصر کند، مطمئنا، ناخواسته، مطالبی خلاف‌واقع تحویل خوانندگان خود خواهد داد، ناخواسته‌مبلغ امپریالیسم خواهد شد. او باید برای تهیه نوشته خود، علاوه بر منابع «غربی» و منابع «شرقی»، منابع «هندی» را نیز (آنهم با شناخت «خط» این منابع هندی)، مطالعه کند، حقیقت را (تا جائی‌که میتواند) دریابد و آنگاه آنرا بیان دارد. روش تحقیق و یافت حقیقت را باید آموخت.

فرض کنیم که فلان روزنامه‌نگار و یا فلان نویسندو صدیق و متعهد به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران مخالف با سوسیالیسم و مخالف با مارکسیسم باشد. این حق اوست. عقیده محترم است و باید محترم باشد و بیان عقیده و تبلیغ عقیده نیز در جمهوری اسلامی ایران آزاد است و باید آزاد باشد. ولی هیچکس حق ندارد دروغ بگوید. هیچکس حق ندارد برای تبلیغ عقیده خود دروغی را به مخالف خود نسبت دهد و سپس‌آنرا رد کند. من مخالف با سوسیالیسم هستم، بسیار خوب. ولی من حق ندارم، بعنوان دلیل و یا توجیه مخالفت خود، دروغ بگویم و یا این دروغ راتکرار کنم که در شوروی قحطی است و بر پایه این دروغ نتیجه دروغ دیگری بگیرم که سیستم کشاورزی شوروی شکست‌خورده است. من با مارکسیسم مخالفم، بسیار خوب. ولی من حق‌ندارم به دروغ به مارکسیسم نسبت دهم که گویامخالف معنویات است و یا گویا «مادیگرائی» مارکسیستی بمعنای «خور و خواب و شهوت» است، و بدین وسیله مارکسیسم را «رد» کنم. من که مخالف مارکسیسم هستم، باید آنچه را که مارکسیسم میگوید، بدرستی و براستی بازگو کنم، و سپس نادرستی آن را اثبات کنم.

در هر حال سخن برسر اینستکه، بنظر ما، در جمهوری اسلامی ایران، شیوه تبلیغاتی بایداز توسل به دروغ، تحریف تاریخ، ترفندهای «امپریالیسم خبری» پاك باشد. شیوه تبلیغاتی که شایسته نیروهای صدیق و وفادار به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است، باید بیان حقیقت و فقط حقیقت باشد. باید کوشش مستمر و پیگیر بعمل آید که تحقیق، شناخت واقعیات، پایه ومایه تبلیغات شود. تبلیغات باید بصورتی باشد که واقعیات زندگی دائما آنرا تایید کند و صحت‌آن را اثبات نماید. فقط در اینصورت است که‌تبلیغات عامل مهم و موثر جلب اعتماد مردم در مبارزه علیه دشمنان انقلاب ـ امپریالیسم و ارتجاع جهانی بسرکردگی امریکا، متحدان و پروردگان آن خواهد بود. تبلیغات دروغین ـ بر روی شاخ‌نشستن و بن بریدن است.

تبلیغات راستین ـ تقویت مدام انقلاب‌است. تبلیغات دروغین متحد ضدانقلاب و تبلیغات‌راستین متحد انقلاب است. باید به هوشیاری و خرد عمومی، در تشخیص راست از دروغ، در پذیرش راست و عدم پذیرش دروغ، اعتماد داشت. زنهار که تبلیغات دروغین سرانجام نتیجه معکوس به‌بار می‌آورد.

به استقبال اول ماه مه، روز همبستگی کارگران و زحمتکشان جهان

# اول ماه‌مه ـ روز همبستگی کارگران و زحمتکشان جهان فرخنده باد!

اوائل قرن نوزدهم را می‌توان تاریخ تولد طبقه کارگر صنعتی جهان به‌حساب آورد. در این دوران سرمایه‌داری می‌رفت، تا به صورت یک نظام جهانی، سلطه‌جهنمی خود را بر سرتاسر جهان مستحکم کند. استثمار در کارگاه‌ها و کارخانه‌ها قیامت می‌کرد. ساعات کار معمولا رقمی در حدود هفده الی هجده ساعت بود. محیط کار خوفناک بود و به زندان می‌مانست. کارگران گویی از بام تا شام در قفس و در کنار حیوانات عجیب‌الخلقه‌ای به نام ماشین برای ادامه حیات دست و پا می‌زدند. میزان حوادث کار، و مرگ و میر ناشی از کار در محیط‌های تاریک، نمور، غیربهداشتی و در برخورد با ماشین‌های بی‌رحم و مخاطره‌آمیز یک لحظه کارگران را تنها نمی‌گذاشت. دستمزدها به زحمت یک زندگی گیاهی و گذرا را تامین می‌کرد. کارگری که مریض می‌شد، به اعماق مرگ‌آفرین بیکاری و بی‌پناهی پرتاب و به سرعت با مرگ دست به گریبان می‌شد. قانونی، حتی قراردادی موقت و خصوصی در کار نبود. از تامین جانی، شغلی و اجتماعی نشانی دیده نمی‌شد. کارگران در بخش‌های گوناگون عرصه تولید اجتماعی پراکنده و از تشکل و ثمرات وحدت و تشکیلات بی‌خبر بودند. زندگی دشوار و فوق طاقت انسانی با کار مرگبار و استثماری بی‌سابقه، از کارگران موجوداتی می‌ساخت مانند بردگان. به این ترتیب نخستین جوانه اعتراض به‌طور غریزی متوجه ماشین می‌شد. کارگران گمان می‌کردند ماشین که زندگی را دگرگون کرده، مادر بدبختی‌هاست و باید نابود شود و ماشین‌ها را در این یا آن کارگاه می‌شکستند، یا با کارگران واحدهای مشابه دیگر، صنف‌های دیگر یا مناطق دیگر، بمثابه رقیب و عامل بدبختی خویش روبرو می‌شدند، اما تجربه زندگی و استمرار مقاومت و مبارزه درس‌های گرانبهایی به آنان داد و "ماقبل تاریخ" موجودیت آنان سپری شد.

خورشید اول ماه مه طلیعه دوران جدیدی بود. طبقه کارگر با گام‌های سنجیده و موزون به راه افتاده بود.

اول ماه مه سال ۱۸۸۶ (۱۱ اردیبهشت ۱۲۶۵) کارگران شیکاگو در اعتراض به نامحدود بودن ساعات کار دست از کار کشیدند و خواستار تعیین هشت ساعت روزانه کار شدند. نیروهای پلیسی وظیفه سرکوب کارگران را به‌عهده گرفتند و صفوف آنان را با خون رنگ کردند. از آن پس پرچم سرخ رزم کارگران همواره رویاروی قدرت جهنمی سرمایه در اهتزاز بوده است.

قتل‌عام کارگران شیکاگو، به‌جرم مبارزه برای کاهش ساعات کار، برای همیشه طومار توهمات را به‌گور سپرد و نشان داد که طبقه کارگر جز با سلاح مبارزه متحد و متشکل در یک روند طولانی، نمی‌تواند حتی بخشی از طبیعی‌ترین نیازهای خود را به دست آورد.

انترناسیونال دوم در کنگره خود، که پس از این واقعه برگزار شد (ژوئیه ۱۸۸۹) تصمیم گرفت که هر سال در اول ماه‌مه، خاطره این روز زنده شود. از سال بعد کارگران در کشورهای مختلف این روز را بمثابه روز همبستگی جهانی کارگران و زحمتکشان گرامی داشتند و از همان تاریخ خواست ۸ ساعت کار روزانه، چون پتکی در سراسر جهان بر پیکر سرمایه‌داران فرود آمد.

هر سال، اول ماه‌مه، نمایش‌های عظیم کارگری در پنج قاره جهان، آتش جاودان همبستگی بین‌المللی زحمتکشان جهان را شعله‌ورتر می‌ساخت.

به‌تدریج، طبقه کارگر سلاح اصلی نبرد، یعنی وحدت و سازماندهی را صیقل می‌داد، تا بدین وسیله خواست‌های خود را در زمینه بهبود شرایط کار و زندگی، برای تسریع تحولات دموکراتیک در جامعه، در راستای سرکوب ارتجاع و مبارزه با استعمار و نواستعمار، برای نیل به ترقی اجتماعی، صلح و سوسیالیسم در جامعه بشری تحقق بخشد.

از سرکوب کارگران شیکاگو قریب به یک قرن می‌گذرد. در این فاصله طبقه کارگر در بخشی از جهان ـ در جهان سوسیالیسم ـ زنجیر ستم سرمایه را به‌کلی گسیخته و از قید استثمار آزاد شده است. در آن‌جا دیگر قدرت در دست‌های تاریخ‌ساز طبقه کارگر اهرمی است برای نابودی نابرابری‌ها، برای تامین هرچه بیشتر نیازهای واقعی مادی و معنوی انسان، برای تحکیم صلح و سکانداری کشتی جامعه زحمتکشان و بشریت در دریای متلاطم دوران کنونی.

امروز در کشورهای سرمایه‌داری رشدیافته طبقه کارگر در اتحادیه‌ها و سندیکاهای پرتوان خود سازمان یافته است. جنبش زحمتکشان زیر پرچم پرولتاریا آماده می‌شود، تا غول سرمایه را از پا درآورد.

در کشورهای رشدیابنده نیز طبقه کارگر در استوار مبارزه با سلطه امپریالیسم، به‌سرکردگی امریکا، و کسب استقلال و آزادی و برای ایجاد نظامی پیشرو و اقتصادی شکوفاست.

امروز در اکثر نقاط جهان خواست ۸ ساعت کار روزانه تامین شده‌است. تشکل‌های کارگری نیروی شکست‌ناپذیری شده‌اند. هیچ جای دنیا، هیچ جنبشی را نمی‌توان سراغ داشت که بدون شرکت کارگران در داخل، و یاری طبقه کارگر آزادشده (جامعه سوسیالیستی) با طبقه کارگر کشورهای دیگر، به پیروزی رسیده باشد.

امروز سرمایه‌داری امپریالیستی، در مرحله سوم بحران عمومی خود، از هر زمان ضعیف‌تر و در عین حال خطرناک‌تر است. این ضعف مرهون مبارزه نیروی عمده انقلابی عصر ما: جامعه کشورهای سوسیالیستی، جنبش کارگری در کشورهای سرمایه‌داری رشد یافته و جنبش‌های آزادیبخش ملی و آن خطر ناشی از ماهیت تجاوزکارانه و غارتگرانه امپریالیسم است، که به ویژه در دوران اخیر ماجراجویی را به اصل سیاست خارجی خود بدل کرده است.

طبقه کارگر در سراسر جهان دشمن واحدی به‌نام سرمایه جهانی دارد که امروز به‌بهترین و کامل‌ترین وجه در قالب سرکردگی آن، امپریالیسم آمریکا ـ دشمن اصلی زحمتکشان جهان ـ جلوه‌گر است. در میهن ما ایران نیز این دیو نمای تاریخی با سایه روشن‌های ویژه خود دیده می‌شود. در جنبش مشروطیت، زحمتکشان ایران به حرکت آمدند و از آن پس هرگز از پای ننشستند. از شصت سال پیش نخستین "شورای مرکزی اتحادیه‌های حرفه‌ای" به‌همت مبارز مستمر کارگران و زحمتکشان ایران پا به‌عرصه حیات گذاشت. کمتر از ده سال بعد "اتحادیه کارگران چاپخانه‌ها" تشکیل شد و جنبش سندیکایی، همپای گسترش و شکل‌گیری موجودیت طبقه کارگر، اوج گرفت.

نخستین اعتصاب کارگری در سال ۱۲۹۸ به‌کمک اتحادیه کارگران چاپ‌خانه‌ها به وقوع پیوست. در این اعتصاب، که چهارده روز طول کشید، کارگران توانستند ساعات کار را محدودتر کنند و شرایط کار را نسبتا بهبود بخشند. در این زمان در بسیاری از شهرها جنبش سندیکایی قوام یافته بود، به‌طوری که در دژ استوار استعمار ـ شرکت نفت ایران و انگلیس ـ کارگران نفت‌آباد ان دست به اعتصاب زدند. (۱۳۰۰) فقط در تهران ۱۵ سندیکای کارگری به‌وجود آمده بود.

در خرداد ماه همین سال "شورای مرکزی اتحادیه‌های حرفه‌ای" همهٔ سندیکاهای کشور را در خود متشکل کرد و بیش از سی هزار کارگر را زیر پوشش خود گرفت.

از این پس کارگران علاوه بر خواستهای اقتصادی، مطالبات سیاسی ـ اجتماعی خود را در زمینه کوتاه کردن دست امپریالیسم غدار انگلیس، تامین حقوق و اصلاحات دموکراتیک و درهم شکستن خفقان پلیسی ارائه داشتند.

در برابر، رضاخان در نخستین سال حکومت خویش، "شورای مرکزی اتحادیه‌های حرفه‌ای" را غیرقانونی اعلام کرد. ولی در سال ۱۳۰۸ در میان کارگران نفت جنوب جنبش اعتصابی بالا گرفت. دو سال بعد، اعتصاب کارگران روزانه کار را به ۹ ساعت تقلیل داد و این‌هم، باوجود رژیم ترور و اختناق پلیسی رضاخان، دستاورد تاریخی گرانبهایی بود که قدرت تکان‌دهنده و قابلیت رزمی کارگران را به‌نمایش می‌گذاشت.

در همین سال‌ها (۱۳۰۷) اتحادیه مخفی کارگران راه‌آهن شکل گرفت و چهار سال بعد نخستین اعتصاب را در نوشهر سازمان داد.

در مهر ۱۳۲۰، حزب توده ایران، بمثابه سازمان سراسری سیاسی طبقه کارگر و الهام‌بخش زحمتکشان ایران، پا به‌عرصه حیات اجتماعی میهن ما گذاشت. در این زمان صنایع ایران گسترش یافته بود، طبقه کارگر نیرومندتر بود و شرایط اجتماعی پس از سرنگونی رژیم رضاخان شور دیگری از مبارزه می‌آفرید. زحمتکشان ایران به کمک حزب توده ایران سرانجام در سال ۱۳۲۱ "شورای مرکزی اتحادیه‌های کارگران ایران" و دو سال بعد "شورای متحده مرکزی اتحادیه‌های کارگران و زحمتکشان ایران" را تشکیل دادند.

"شورای متحده مرکزی" در سایه مبارزات خود و با یاری حزب توده ایران لایحه قانون کار را به مجلس برد. در این لایحه از جمله ۸ ساعت روزانه کار، مرخصی سالیانه (دو هفته) با استفاده از حقوق، ۶ هفته مرخصی سالیانه برای زنان باردار، ممنوعیت کار اطفال تا ۱۲ سالگی، تامین بیمه‌های اجتماعی برای کارگران و کارمندان، پیش‌بینی شده بود. ولی به علت حاکمیت ارتجاع، این لایحه در بوته اجمال ماند.

"شورای متحده مرکزی" در سال ۱۳۲۴ در کنگره فدراسیون سندیکایی جهانی (در پاریس) شرکت کرد و سال بعد به‌عضویت این فدراسیون پذیرفته شد. این بزرگ‌ترین دستاورد طبقه کارگر ایران و نشانه گشودن دروازه‌های همبستگی و اتحاد آن با طبقه کارگر کشورهای دیگر جهان بود.

در همین سال کارگران صنعت نفت سندیکای خود را، علیرغم شدت فشار استعمارگران بریتانیایی تشکیل دادند و به "شورای متحده مرکزی" پیوستند. در این سال زیر فشار "شورای متحده مرکزی" قانون کار به وسیله دولت پذیرفته شد. ۸ ساعت کار روزانه و یک روز تعطیل در هفته قانونی شد. برای اولین بار روز اول ماه‌مه تعطیل عمومی کارگری (با حقوق) رسمیت یافت.

مبارزات کارگران برای اجرای این قانون طوفان‌زا و دشوار بود. پیروزی‌های این مبارزه برگ زرینی در کارنامه مبارز طبقاتی طبقه کارگر ایران به‌شمار می‌رود.

کارگران صنایع نفت ایران، علاوه بر مطالبات صنفی، خواستار عدم دخالت شرکت نفت انگلیس در حیات سیاسی کشور خود بودند و به این منظور اعتصاب‌های مکرری را سازمان دادند.

باوجود غیرقانونی کردن فعالیت حزب توده ایران و شورای متحده مرکزی (۱۳۲۷) از سوی رژیم شاه ملعون، کارگران ایران برای دفاع از حقوق صنفی و سیاسی خود به مبارزه ادامه دادند. اعتصاب همگانی کارگران خوزستان در سال ۱۳۲۹ (با کشته شدن ۱۸ کارگر و سکودک) پاسخ طبقه کارگر ایران به‌اقدامات ضددموکراتیک و ضد ملی رژیم بود. در سراسر ایران کارگران به‌حمایت از نفتگران برخاستند. نفتگران، سرانجام شرکت نفت و دولت را به‌عقب‌نشینی واداشتند. در جنبش ملی شدن صنعت نفت، بی‌اغراق، مبارزه مستمر و متحد کارگران ایران رکن اساسی و شرط حیاتی به شمار می‌رود.

پس از سلطه رژیم کودتا (۲۸ مرداد ۳۲) و نابودی دست‌آوردهای جنبش ملی و دموکراتیک مردم ایران سندیکاهای کارگری نیز مورد یورش حکومت نظامی و پلیس ساواکی شاه قرار گرفتند. اما در اوج قتل‌عام‌ها و شکنجه‌ها، در زمستان سیاه خفقان، کارگران از مبارزه دست نکشیدند. در مرداد ۱۳۳۴ کارگران آبادان، زیر سرنیزه مکنسر سوم غارتگر نفت، اعتصاب کردند. در تابستان و پاییز ۱۳۳۶ کارگران نفت مسجدسلیمان و آغاجاری اعتصاب کردند و خواستار به‌رسمیت شناختن "حق اعتصاب" برای کارگران از سوی رژیم شدند.

در سال بعد کارخانه‌های اصفهان با امواج اعتصابی خود و نیز کارگران بندرشاهپور، جزیره خارک و تاکسی‌رانان تهران کمر رژیم کودتا را لرزاندند و سال بعد ۳۰ هزار تن از کارگران کورمیزخانه‌های تهران به مقابله با نظام آریامهری برخاستند و با دادن پنجاه کشته و صدها زخمی و عده‌کثیری زندانی، پاره‌ای از خواست‌های خود را گرفتند.

برشمردن موارد مشخص مقابله طبقه کارگر با رژیم ساواکی شاه ملعون در این مقال نمی‌گنجد. نمونه‌هایی که ذکر آن رفت، بمثابه قطره‌ای از این دریا، عظمت نقش تاریخی طبقه کارگر را نشان می‌دهد. این مبارزات سرانجام گلوی رژیم شاه ملعون را فشرد و همراه با طوفان انقلاب طومار سلطنت را درهم نوردید.

سپاه نیرومند کارگران و زحمتکشان ایران، در روز اول ماه مه، روز همبستگی کارگران و زحمتکشان جهان، از برابر انقلاب ایران رژه می‌روند، تا بار دیگر عزم راسخ خود را برای ادامه پیکار علیه امپریالیسم، به‌سرکردگی آمریکا، در پاسداری از دست‌آوردهای انقلاب اعلام دارند.

کارگران و دهقانان و سایر اقشار زحمتکش جامعه ایران، با حفظ آرامش و خنثی کردن آشوبگری‌ها و تشنج‌زایی‌های ضدانقلاب، برای تولید بیشتر، کار بیشتر، فداکاری مستمر و آمادگی کامل برای گسترش انقلاب و طردسازشکاران و تسلیم‌طلبان، استوار ایستاده‌اند!

**کارگران مبارز ایران! در یکدست با ابزار کار و در دست دیگر با اسلحه، از میهن انقلابی دفاع کنید!**

# قابل توجه خبرنگاران بخش کارگری «نامه مردم»

با آرزوی موفقیت بیشتر، توجه رفقا را به نکات زیرین جلب می‌کنیم:

۱ـ میهن ما درگیر توطئه‌های رنگارنگ امپریالیسم، به‌سرکردگی آمریکا و ضدانقلاب پرورده آن است. حزب ما افشا و خنثی کردن این توطئه‌ها را از اهم وظایف خویش می‌داند، رفقا موظفند هرجا، بویژه در واحدهای بزرگ تولیدی و خدماتی، به‌چنین فتنه‌انگیزی‌هایی برخورد کردند، مشروحا گزارش کنند. اخبار ارسالی باید گویای زمینه‌سازی‌ها و خرابکاری‌های آگاهانه و برنامه‌ریزی‌شده دشمنان انقلاب و نوع بهره‌برداری‌های بعدی آنان باشد.

۲ـ دشمنان انقلاب می‌کوشند وانمود کنند که گویا شیرازه همه امور بکلی ازهم گسیخته است و همه‌جا علم مخالفت با انقلاب بالا رفته‌است. با این نیت و در راستای شانتاژ خائنانه خود، آنان با جعل و دروغ و به‌انواع وسائل، ازجمله با بزرگ‌کردن نارسایی‌ها و تغلیظ دشواری‌ها، سعی دارند چنین فضایی را، بویژه در واحدهای صنعتی و خدماتی جامعه ما، تصویر کنند. عناصر سازشکار و غیرانقلابی و نیز راست‌گرایان انحصار طلب و افراد ضدانقلابی را که متاسفانه هنوز در بسیاری جاها بقوت حضور دارند، در "مینیاتور" حاکمیت کنونی جا بزنند.

رفقای توده‌ای، که با تمام وجود خود را وقف انقلاب و سعادت زحمتکشان کرده‌اند، بیش از هرکس به‌عبث بودن تلاش‌های دشمنان انقلاب و پوچ‌بودن دعاوی میان‌تهی آنان واقفند. به این ترتیب رفقا وظیفه‌دارند که پیک امید و مژده‌رسان شکوفایی دم‌افزون دستاوردهای انقلاب در خانه‌های کار و تلاش باشند. بدیهی است که تاکید برعمده بودن این وجه، به‌معنای نفی یا نادیده‌انگاشتن نارسایی‌ها و ناپیگیری‌ها نیست. باید قاطعانه جبههٔ کژی‌ها را افشا کرد، ولی به‌هرحال بیان کمبودها همواره تحت‌الشعاع راهکشایی دفع خطر و درجهت سازندگی خواهد بود. گزارش رفقا باید چنین آرایشی بخود بگیرد.

۳ـ از آن جاکه "نامه مردم" محل دقیق‌ترین و جامع‌ترین برخورد به مسائل و وقایع گوناگون بوده و هست، رفقا، طبق معمول، باید به‌شنیده‌ها و اطلاعات دقیق بسنده نکنند. گاه حساسیت رفقا دایر بر انعکاس فوری مطالب بقصد عقیم گذاشتن دسیسه‌ها، که در اساس خود از مشی اصولی و انقلابی حزب ناشی می‌شود، پاره‌ای نکات غیر دقیق و احیانا نادرست را به مضمون صحیح گزارش‌ها تحمیل می‌کند. چنین مواردی نه‌برازنده "نامه مردم" و نه منظور نظر هیچیک از اعضاء حزب است. ارسال مطالب مطلقا موثق و اجتناب از رخنه کمترین اشاره نامطمئن در مطالب وظیفهٔ تک‌تک رفقاست.

۴ـ گزارش‌های ارسالی باید مسائل عمده و "حلقه‌اساسی" دشواری‌های واحدهای تولیدی و خدماتی و نیازها و خواست‌های بنیادی زحمتکشان را باصراحت بیان کند، و حتی‌المقدور راه‌های انقلابی و ممکن برای برطرف کردن نارسایی‌ها را نشان دهد.

۵ـ گزارش‌ها یک روی کاغذ و خوانا (بویژه در مورد اسامی خاص) نوشته شوند و در صورت امکان با عکس (سیاه و سفید) همراه باشند.

# روستائیان زحمتکش روستاهای «تولکی‌تپه» و «گونلو» و روستاهای اطراف، انتظار ورود هیئت هفت نفری را می‌کشند

● در روستاهای "تولکی‌تپه" و "گونلو" زمین‌ها واگذار نشده و بدین‌علت بهزیرکشت نرفته‌اند.

● در روستای "تولکی‌تپه" شورا توسط بزرگ مالک اداره می‌شود!

این دوروستا ازتوابع رزن‌همدان، در ۸۰ کیلومتری بین آوج وهمدان قرار دارند. در روستای تولکی‌تپه، در گذشته بزرگ مالک حکومت می‌کرد ودر حال‌حاضر نیز متاسفانه به‌حاکمیت‌خود ادامه‌می‌دهد. اراضی روستا واگذار نشده و هنوز از هیئت واگذاری زمین خبری نیست. فقط معدود افرادی که‌از وضع مالی خوبی برخوردار هستند، توانسته‌اند زمین‌های‌خودرا بهزیرکشت ببرند و بقیه اهالی یا بیکارند و یا در جستجوی‌کار به‌تهران هجوم‌آورده‌اند. در این روستا شورا توسط بزرگ مالک اداره می‌شود و بدین علت نمی‌تواند و نمی‌خواهد پاسخگوی مشکلات اهالی باشد.

اهالی دو روستای تولکی تپه و گونلو از خدمات ابتدایی معیشتی و درمانی کمترین بهره‌ای‌نبرده‌اند. حمام روستای تولکی تپه خزینه‌ای و عامل بسیاری از امراض است. اهالی از آب قنات وچشمه استفاده‌می‌کنند که اخیرا آب آن کم گردیده و بر مشکلات مردم افزوده شده است. اهالی تولکی تپه اغلب به‌سبب فقدان امکانات زندگی‌و تولید به مامازند و ورامین رفته‌اند.

در روستاهای اطراف تولکی‌تپه چون: وفش، خنجرآباد، آق‌جاخرابه، قزل‌جا، لالدان، ورغستان، تازه‌کند، امت، خلج و سوتجین نیز ازهیئت واگذاری زمین خبری‌نیست. زمین‌ها بهزیرکشت نرفته‌اند و در روستای گونلو بایدفورا به دهقانان کمک کرد، تا بتوانند زمین‌ها را زیرکشت ببرند.

یکی از شرایط عمدهٔ شکوفایی اقتصاد کشورمان و بویژه اقتصاد روستایی و رسیدن به‌حد خودکفایی مقدور درتولیدات مختلف‌زراعی و دامی، محو مالکیت‌های بزرگ، غیرعادلانه و غاصبانه ارضی و دسترسی تهیدست‌ترین روستاییان به خدمات کشاورزی و وسایل تولید است. شور و اشتیاق دهقانان زحمتکش زمانی صد چندان خواهد شد که مشاهده کنند حاصل رنج و زحمتشان به خود آنان خواهد رسید و در جهت بهروزی زحمتکشان‌شهر وروستا وتحکیم انقلاب به‌کار خواهد آمد.

لذا هیئت‌های واگذاری‌زمین باید امکان‌پیداکنندکه‌باشتابی درخور انقلاب شکوهمندمان بهتمام‌روستاها بروند وبااجرای قانون‌اصلاحات‌ارضی بسود دهقانان بی‌زمین‌وکم‌زمین‌تکلیف اراضی رایکسرمکنند. همچنین‌دولت‌از طریق‌نهادهای‌انقلابی‌ومقامات‌مسئول بایدوسایل و امکانات کار دهقانان محروم راهمزمان بااجرای قانون در دسترس‌آنان قراردهد. نقش‌نهادهای انقلابی، بویژه‌جهادسازندگی نیز در روستاهایی‌چون روستاهای‌فوق‌بمنظور ایجادزمینه‌برای‌کاروفعالیت دهقانان نقشی تعیین‌کنندهاست. نکتهٔ دیگری که‌ذکرآن‌ضروری‌است‌اینکه، دهقانان زحمتکش‌باید‌متوجه باشندکه شورا زمانی‌میتواندوظایف‌قانونی خویش را به‌سودآنان انجام دهدکه به وسیله نمایندگان خودآنان اداره شود.

سلطه‌بزرگ‌مالک‌ونمایندگان‌وی برشورا تنهامو‌جب‌حل‌نشدن‌مشکلات‌دهقانان محروم‌خواهدشد. دهقانان‌بی‌زمین‌و کم‌زمین‌باید‌به‌این نکته خوب توجه کنندواجازه‌ندهندکه بزرگ مالک و ایادی وی به‌شوراهارخته‌کنند. سایر نهادهای‌انقلابی‌نظیرسپاه پاسداران، جهادسازندگی‌وهیئت‌های‌هفت نفری وظیفه‌ومسئولیت‌آنقلابی‌دارند. تا در جهت‌مردمی کردن شورای ده به دهقانان‌کمک‌کنندونگذارند عناصر وابسته وغیرانقلابی این نهاد مهم راقبضه‌کنند.

## ویژه شورای ده

### شورای ده باید مردمی باشد و دهقانان آنرا مال خودشان بدانند

در روستای "یساقی"، از توابع گرگان ۶۵۰ خانوارزندگی می‌کنند، که از این تعداد، ۴۵۰ خانوار، کم‌زمین وحدود ۲۰۰ خانوارخوش‌نشین هستند. دراین روستااخیراشورای پنج‌نفره‌ای تشکیل شده‌است‌که ترکیب یکسانی ندارد و به قول روستائیان، طرفداران مالکیت زمینداران بزرگ درآن نفوذ کرده‌اند. روستائیان کم‌زمین وخوش‌نشینان‌یساقی برای‌گذراندن‌امورزندگی‌خودمجبورند روی زمین‌های زمینداران کارکنند.

علیرضاروشنی‌که جزو افراد کم‌زمین است دراین موردمی‌گوید:

"درآمدم‌کفاف هفت سر عائله‌را نمی‌دهد، به‌همین علت باید برای سیر کردن شکم‌بچه‌هایم‌روی‌زمینهای‌دیگران کارکنم".

آب آشامیدنی اهالی این روستا به همت‌جهادسازندگی و خودیاری اهالی به‌طریق لوله‌کشی تامین شده‌است. در این‌روستاهمچنین دوباب‌حمام بهداشتی احداث‌شده‌است. این روستا همچنین دارای برق و مدرسه است.

روستائیان بایدبه کمک نهادهای انقلابی شورای مردمی درمابوجودآورند و بالنکیه به نمایندگان واقعی خود و به یاری نهادهای انقلابی‌ومسئولان‌متعهد مشکلات موجود را حل کنند.

## گذری به روستا

### باشورای دهقانان روستای «گوشهٔ چهارچنار» آشنا شویم

روستای گوشه‌چهارچنار درجنوب شهرستان بروجرد واقع است. فاصله این روستا با شهر بروجرد بقدری کم است کهطی‌چندسال‌اخیردراثرمهاجرت روستائیان به شهردرحقیقت این‌فاصله ازبین رفت و در واقع گوشه‌چهارچنار جزئی‌از شهربروجرد شد و جمعیت آن به دمرابر رسید.

پس از پیروزی انقلاب، به همت دهقانان این‌روستا، شورایی‌بنام‌شورای دهقانان‌ازافراد مورد اعتماد اهالی تشکیل شد که ۱۴۵ خانوار عضو آن هستند، دارای ۷ نماینده است.

این‌شوراکوشیده‌است‌بااقدامات‌مثبت خود درجهت خواست‌های اعضایکام بردارد، که ازآن جملهاند تهیه کود شیمیایی، خریدآن از دولت و تقسیم عادلانه آن بین کشاورزان و ثبت نام اهالی روستا بمنظور استفاده از بیمهٔ بازنشستگی.

زمین‌های مزروعی این روستا توسط نهری آبیاری می‌شود که معمولا در تابستان‌ها دچار کم‌آبی است. به‌همین جهت هرساله‌این نهر از سوی‌دهقانان لایروبی می‌گردد ونیزاوایل‌بهارهرسال مقداری از آب این نهر برای مصارف خوراکی ذخیره می‌گردد. چون‌این نهر از میان برخی از خانه‌های روستائی‌ـ گذردو دراین فصل بهار که دراثربارش باران آب‌نهرافزایش‌می‌یابد، خساراتی هرساله متوجه اهالی روستامی‌گردد.

بجاست کهشورای‌روستاونیزمسئولین امر به‌امرکانال‌کشی روستا توجه جدی مبذول داردندو شورا برای رفع مشکلات بنهادهای انقلابی تکیه کند.

# دربارهٔ شورای ده روستای مرتضی‌گرد

پیروگزارش مندرج‌در "نامه‌مردم"، شماره ۴۶۰، مورخ ۵۹/۱۲/۱۴ دربارهٔ روستای مرتضی‌گرد، باطلاع‌خوانندگان گرامی می‌رسانیم، که‌خوشبختانه‌شورای جدید این ده با حضور نماینده جهاد سازندگی انتخاب شده که در مجموع اعضای آن منتخب‌اهالی هستند. ولی نظر به اینکه تعداد حضار در موقع انتخابات اکثریت‌اهالی‌ده نبوده‌اند، لذا اعضای شورای قبلی آماده تحویل حساب‌ها به شورای جدید نیستند و ضمنا درکارهای شورای جدیدهم کار‌ـ شکنی می‌کنند، بنابراین باردیگرتاکید می‌کنیم که لازم است اختلافات‌موجود که‌درهرحال‌در شرایط‌کنونی کشور به ضرراانقلاب است بادخالت‌نهادهای انقلابی، از جمله جهاد سازندگی چهاردانگه حل شود، تا با آرامش مشکلات را از سر راه بردارند.

ضمنا لازم است بنهاد مستضعفین دربارهٔ زمین‌های مصادره‌شده ازهژیر یزدانی دراین ده تدبیر جدی اتخاذ نماید بنحوی که این زمین‌ها دردست کسانی قرار گیرد که دارای شغل‌های دیگری غیر از کشاورزی نباشند و حتی‌الامکان دراختیار کشاورزان بی‌ـ زمین قرار گیرد.

# به کمک شورای ده برای اجرای بند «ج» وبند «د» بکوشیم

در روستای "اکبرآباد" دهقانان تهیدست، باوجود عدم اجرای کامل قانون اصلاحات ارضی، با جدیت تمام به جنگ زدگان و پیکارگران‌جبهه‌هایاری‌میرسانند وخود آماده شرکت‌درجنگ‌علیه متجاوزان صدامی هستند.

دراین روستا، که در ۴۰ کیلومتری چالوس قرار دارد (جمعیت ۲۶خانوار ـ دهقانان بی‌زمین ۶ خانوار) شورای ده تشکیل شده و دهقانان بی زمین بی‌صبرانه در انتظار اجرای کامل و فوری قانون اصلاحات ارضی هستند و اجرای تمام وکمال وفوری آن را عامل مهمی درازدیاد‌محصولات کشاورزی و مبارزه با امپریالیسم آمریکا وایادی‌آن می‌دانند. دراین باره یکی‌از دهقانان اکبرآباد می‌گوید:

"بزرگترین مشکل‌ما نداشتن‌زمین است. اگر دولت و نهادهای انقلابی به ما زمین بدهند با جان و دل کار می‌کنیم. الان‌داریم روی زمین شخص دیگری به صورت روزمزد کارمی‌کنیم. بعلاوه روزهای بارانی هم نمی‌توانیم کار کنیم."

آنچه درعمق کلام دهقان اکبرـ آبادی به‌چشم می‌خورد، این نکته است که، اجرای فوری قانون و بویژه بندهای "ج" و "د" آن، گام بلندی در افزایش شور و اشتیاق انقلابی دهقانان‌تهیدست بمنظوراعتلاء سطح تولید کشاورزی و نیل به خود کفایی مقدور است.

این دهقان در مورد کارهایی که شورای ده اکبرآباد برای روستاییان انجام داده است، می‌گوید:

"ازطرف شورای ده جاده درست شده است. ده را لوله کشی کرده‌ایم ولی آب نداریم."

دهقانان‌ازشورای‌ده اظهاررضایت می‌کنند و امیدوارند که شورا درآینده بتواند با یاری و مساعدت نهادهای دولتی گام‌های‌دیگری‌درجهت‌بهسازی روستا و رفاه حال روستاییان زحمتکش بردارد.

دهقانان اکبرآباد همچنین در موردجنگ‌تحمیلی وتجاوزکارانه‌صدام، که جزئی‌از توطئه‌براندازی امپریالیسم آمریکا بهشمار می‌رود، اعتقاد دارند:

"صدام یزید وآمریکا دشمن ما هستند. ماباید آن‌هارا شکست‌بدهیم. روستای ما هم ازطریق شورای ده و با کمک اهالی روستا وسایلی‌برای جنگ‌زده‌ها وجبهه‌ها فرستادیم. ماخودمان هم آماده‌ایم تا به فرمان امامان به جبهه‌ها برویم. خدمت‌منقضی‌های ۵۶ دهمان هم به جبهه رفته‌اند."

دهقانان تهیدست اکبرآباد و نیز تمام روستاییان زحمتکش کشورمان در راه حفظ وگسترش انقلاب بغایت‌تلاش و کوشش می‌کنند و برای تقویت جبهه، وپشت جبهه، برای انجام هر وظیفه‌ای آماده هستند. باید با اجرای کامل و فوری قانون اصلاحات ارضی و تدارک وسایل و امکانات کار کشاورزی برای آنان، این دهقانان را در امر مهم تقویت انقلاب یاری رساند. شورای‌ده می‌تواند وسیله بسیار مهم وموثری در این زمینه باشد.

# شورای ده «تازه‌آباد» درانجام وظایف خود به‌یاری بیشترنهادهای دولتی وانقلابی نیاز دارد

در روستای "تازه‌آباد" شورای ده‌در جهت انجام وظایف‌خود فعالیت‌میکند و در این راه به یاری‌نهادهای دولتی و همکاری بیشترنهادهای‌انقلابی‌نیازدارد

روستای تازه‌آباددرسه‌کیلومتری چالوس‌قراردارد (جمعیت ۳۰۰نفرـ ۴۰ خانوار). محصول‌عمده‌روستا برنج‌است. شورای‌ده‌در این‌روستاتشکیل‌شده‌است. وبنا به‌گفته مسئولین شورا، گام‌هایی در جهت تامین نیازمندی های روستائیان برداشته است. ازجمله‌یکی از اعضاء شورای‌ده‌دراینموردمی‌گوید:

"شورای‌ده این‌روستا، خواست‌ـ های‌اهالی را بامقامات مسئول درمیان میگذارد. دهقانان این‌روستاازدولت میخواهندکه‌به‌آنها وام داده‌شود، تا بتوانندد‌رامرکشاورزی‌فعالیت‌کنند، تا نیازی‌به‌کشورهای‌خارجی‌نداشته‌باشیم. همچنین‌شورای ده‌ازلحاظ امرسوخت‌ـ رسانی به‌روستائیان‌کمک‌میکند. نهادـ های‌انقلابی‌هم‌باماهمکاری‌میکنند. ما بایدبیشترکارکنیم."

همین‌عضوشوراد‌ر موردجنگ تجاوزی‌صدام به‌میهنمان‌میگوید:

"مادوست‌داریم‌تعلیم نظامی ببینیم وبادشمنان انقلاب، که در راستان شیطان بزرگ است، بجنگیم. ماامیدواریم‌انقلاب‌پیروزبشودو صدام نابودگردد. مابه‌جنگ‌زده‌هاهم کمک کردیم."

شورای‌روستا، ازجمله‌نهادهائی است‌که‌از ارتباط دوگانه‌ای‌برخورـ داراست. ازسویی‌درارتباط‌مستقیم با ارگان‌های‌دولتی قرار دارد و از سوی دیگرباروستائیان وبه‌منظور رفع نیازـ هاوحوائج‌آنان‌پیوند دارد. لذا دو وظیفه‌بردوش‌مقامات مسئول و نیز روستائیان زحمتکش‌روستاهاقرارمی‌ـ گیرد. مقامات‌مسئول‌باید در جهت تقویت این‌پیوندویاری‌ومساعدت به شوراهاتلاش‌کنندو روستائیان نیز علاوه بر دقت در انتخاب‌نمایندگان واقعی‌خود درشوراها، آنهارادرجهت انجام‌وظایفشان‌یاری رسانند.

# پیکار مسلحانه خلق السالوادور برای استقلال و آزادی ادامه دارد

## برخی مشخصات جغرافیائی واداری

**نام رسمی:** "ریوبلیکاد ال‌سالوادور" (جمهوری السالوادور)

**مساحت:** ۲۱۰۴۱ کیلومتر مربع. السالوادور کشوری است کوهستانی و زلزله‌خیز. بلندترین قله السالوادور، قله آتش‌فشان سانتاآنا (۲۳۸۵ متر) است. آب وهوای السالوادور مرطوب و گرم تا سرد است.

**جمعیت:** ۴/۷ میلیون نفر (۱۳۵۹). السالوادور ازنظرجمعیت نسبی ـ ۲۲۳ نفر درکیلومترمربع ـ یکی ازپرنفوس ـ ترین کشورهای آمریکای لاتین است. درحدود ۴۵ درصدمردم السالوادور شهرنشین‌هستند.

**پایتخت:** سان‌سالوادور (۰/۸ میلیون نفر، ۱۳۵۷).

**پول:** ۱ کولون= ۱۰۰ سنتاوس، ۱۰۰ کولون= ۴۰ دلار ایالات‌متحده‌آمریکا.

**حکومت:** حکومت السالوادور، بموجب قانون‌اساسی، جمهوری است، که‌درآن رئیس جمهور از امتیازات نسبتامهمی برخوردار است. ازسوی دیگر، نزدیک به ۵۰ سال است که دیکتاتور های نظامی، بسودالیگارشی، بر این کشور حکومت می‌کنند. السالوادور از نظر اداری به ۱۴ دپارتامنتو (استان) تقسیم می‌شود.

### اقتصاد

مهم‌ترین رشته‌های اقتصادی السالوادور زیر سلطه سرمایه‌خارجی، بویژه سرمایه‌ایالات متحده‌آمریکاست. سرمایه‌گذاری‌های ایالات‌متحده‌آمریکا در السالوادور بالغ بر ۲۰۰ میلیون دلار می‌شود. انحصارات ایالات‌متحده آمریکا بویژه در استخراج طلا، واردات وپالایش‌نفت، صنعت‌شیمی، پلاستیکها و صنایع غذایی حکمفرمایی می‌کنند.

۴۷/۲ درصد ۱/۲۸۷ میلیون زحمتکش السالوادور در کشاورزی اشتغال‌دارند. بخش‌کشاورزی ۷۵ درصد درآمدصادراتی السالوادور را تامین می‌کند. قهوه ۵۰ درصد ارزش کالاهای صادراتی‌راتشکیل‌می‌دهد. السالوادور با آنکه دارای شرایط‌طبیعی بسیارنا ـ مساعداست، بخش‌مهمی ازنیازمندی ـ های غذایی خودرااز‌خارج‌واردمی‌کند.

یکی از علل بنیادی فقر وسیع جمعیت روستایی‌تقسیم‌ناعادلانه‌زمین است. ۱/۵۰ درصدزمینداران ۴۹/۵۴ درصد زمین‌ها رادراختیارخوددارند. اکثریت روستائیان در شرایطی زندگی می‌کنندکه به‌بردگی شباهت دارد.

درزمینه‌منابع‌زمینی، تنهامقادیر کمی طلا، نقره، آهک و نمک استخراج می‌شود. تولید صنعتی بویژه برپایه تبدیل فرآوردههای کشاورزی‌استوار است. بازرگانی‌خارجی السالوادور در سال‌های ۷۰، بخصوص در نتیجه افزایش قیمت‌قهوه‌دربازارهای‌جهانی، مثبت بوده‌است.

نرخ‌بیکاری در السالوادور در حدود ۳۰ درصد است. این نرخ در مناطق روستایی تا به دوبرابراین رقم می‌رسد. نه‌دهم کودکان السالوادوراز کم‌غذایی رنج می‌برند. یک پنجم کودکان شهرها و سه‌پنجم کودکان روستاهای السالوادورازرفتن‌به مدرسه محرومند. بیش از پنجاه‌درصدسکنه از آب آشامیدنی کافی بی‌بهره‌اند. بیمه اجتماعی این کشورتنها ۱۰ درصدمردم را دربرمی‌گیرد.

## درباره اوضاع کنونی السالوادور

در ۲۳ مهر ۱۳۵۸ (۱۵ اکتبر ۱۹۷۹) دیکتاتوری نظامی ژنرال رومرو سرنگون شد، "خونتا"ی نظامی قدرت رابدست گرفت و خواستار شرکت همه احزاب در دولت گردید. "خونتا" قول دادکه با فساد به‌مبارزه بپردازدوتقسیم عادلانه‌تر ثروت را تامین سازد و به اصلاحات اجتماعی دست بزند. برخی از محافل حاکم درکشور، که از پشتیبانی گروهی از فرمانروایان‌ایالات متحده آمریکانیزبرخورداربودند، قصد داشتندتا با "اقدام‌از بالا" از تکرار رویدادهای نیکاراگوئه در السالوادور جلوگیری کنند. اما در حالی که سردمداران رژیم کماکان قول اجرای اصلاحات بنیادی رامی‌دادند، ترور سازمان‌های‌براستگرای‌افراطی‌افزایش‌می‌ـ یافت. چندی بعد، تضادهای‌سیاسی و اجتماعی یکباره بالا گرفت. هنوز چند ماهی بیش نگذشته‌بود، که همه‌احزاب شرکت‌کننده در دولت از پشتیبانی از آن دست برداشتند. تنها "پارتیدو ـ دمکراتا کریستیانو" ("حزب دمکرات مسیحی") در دولت باقی ماند وبرسر این موضوع دچار انشعاب شد.

تشدید اختناق و کشتار رهبران احزاب وسندیکاهاروند وحدت‌نیروهای مخالف‌را، که‌حزب‌کمونیست‌السالوادور همیشه از آن طرفداری می‌کرد، سرعت بخشید. دراین زمینه، قتل‌بزرگ‌اسقف اوسکار آرنولنو رومرو از اهمیت ویژه برخوردار‌بوده‌است. رومرو، که سال ها به‌عنوان مدافع بینوایان السالوادور، به مبارزه مسالمت آمیز چشم امید بسته بود، سرانجام دریافت که برای خلق السالوادور راهی جز نبرد مسلحانه باقی نمانده‌است.

## وحدت فزاینده سازمانهای دمکراتیک

در ۲۹ فروردین ۱۳۵۹ (۱۸ آوریل ۱۹۸۰)، "جبهه‌دمکراتیک انقلابی"، که تقریبا همه‌نیروهای دمکراتیک کشور را، صرفنظرازعقایدسیاسی‌وایدئولوژیک متفاوت‌آنها، دربرمی‌گرفت، تشکیل‌شد. این جبهه هدف خود را سرنگونی "خونتا" اعلام‌کرد. در ۱۹ مهر ۱۳۵۹ (۱۱ اکتبر ۱۹۸۰)، چهار سازمان هوادار نبردمسلحانه‌خلق "جبهه‌آزادی ملی فارابوندومارتی" را پایه‌نهادند.

## مداخله‌ایالات متحده آمریکا

ایالات متحده‌آمریکا کوشید، تا با مداخله‌از طریق رژیم‌های ارتجاعی هندوراس و گواتمالا، میدان عمل پارتیزان‌های السالوادوررامحدودسازد. از سوی دیگر، نیروهای مسلح رژیم خونخوار السالوادور به "پاکسازی" (بخوان: کشتاراهالی) نواحی‌گوناگون کشور دست زدند. چندی پیش، یکی‌از سخنگویان کلیسای سان‌سالوادوراظهار داشت که، درشش ماه گذشته، ۸۶۵۰ نفر قربانی این "پاکسازی" هاشده‌اند. یکفتوی، ۴۴۰۰ تن‌دیگربراثربمباران‌ـ های نیروی هوایی به‌هلاکت‌رسیده‌اند. هنگامی‌که "خونتا"ی السالوادور به نیروی سیاسی و نظامی فزاینده "جبهه آزادی ملی فارابوندومارتی" و "جبهه دمکراتیک انقلابی" پی برد، به توصیه اربابان امپریالیستی خود، ریاکارانه خواستار "گفتگو" شد.

اما روبداد ۵ آذر ۱۳۵۹ (۲۶ نوامبر ۱۹۸۰) نشان‌دادکه‌این‌دسیسه‌ـ ای بیش نیست. در این روز بود، که نیروهای‌مسلح‌شش‌تن‌ازرهبران "جبهه دمکراتیک‌انقلابی" را ازیکی‌ازکلیسا ـ های سان‌سالوادور بیرون کشیدند و به قتل رساندند. یک‌هفته بعد، هنگامی‌که سه راهبه و یک نیکوکار آمریکایی نیزبه دست سربازان "خونتا" کشته شدند، حتی در ایالات‌متحده‌آمریکا موج خشم همگان برخاست. افکار عمومی آمریکا دولت این کشوررا واداشت‌که‌چندروزی واکذاری اسلحه رابه رژیم ددمنش السالوادور قطع کند.

در ۲۲ آذر ۱۳۵۹ (۱۳ دسامبر ۱۹۸۰)، خوزه‌ناپلئون‌دوارته (دمکرات مسیحی)، "آتو"ی سیاسی نظامیان مرتجع، به ریاست جمهور "غیرنظامی" السالوادورمنصوب شد. معاون‌اوسرهنگ گویتوس است.

## تعرض نیروهای مسلح آزادیبخش واعتصاب‌همگانی زحمتکشان

تعرض اواخر دی‌ماه (نیمه اول ژانویه) نیروهای مسلح آزادی‌بخش و اعتصاب همگانی همزمان زحمتکشان السالوادور به دستاوردهای شگرفی انجامید. اینک "جبهه آزادی ملی فارابوندومارتی" خود را برای تعرضی جدید آماده می‌سازد.

پس از تعویض کشیک در "کاخ سفید"، رابرت وایت، سفیرسابق‌ایالات متحده آمریکادر السالوادور، که‌ظاهرا دیپلماتی "میانه‌رو" بود، به واشنگتن فراخوانده و فردریک چاپین، مسئول پیشین "پنتاگون" برای واکذاری کمک نظامی به کشورهای آمریکای لاتین جانشین اوشد. دولت ریگان‌سفیر ویژه خود، لاورنس ایگل برگر، را به پایتخت‌های کشورهای "ناتو" فرستاد تا با اسناد جعلی، مبنی بر واکذاری سلاح از سوی نیکاراگوئه، کوبا و اتحاد شوروی‌به‌مبارزان‌السالوادوری، دولت‌ـ های این کشورهارا به‌هواخواهی از سیاست "چماق" واشینگتن برانگیزد.

ولی این سیاست، چه در محافل دیپلماتیک اروپای غربی و چه در خود ایالات متحده‌آمریکا، هرچه بیشتربا تردید و مخالفت آشکاررو‌بروشده‌است.

بااین‌همه، دولت‌ریگان به‌کمک همه‌جانبه "خونتا"ی‌دژخیم‌السالوادور شتافته است. عملیات "پاکسازی" "خونتا"، که درهفته‌های اخیر نیز به کشتار فجیع هزاران‌میهن دوست‌ومردم بیگناه السالوادور انجامیده‌است، زیر رهبری مستقیم "کارشناسان" آمریکایی صورت می‌گیرد.

خلق السالوادور مسلحانه برضد سلطه امپریالیسم آمریکا و رژیم دست‌نشانده‌اش پیکار میکند

## نمایشگاه سالگرد انقلاب درمیانه

به مناسبت دومین سالگرد پیروزی انقلاب، از طرف اعضاء و هواداران حزب‌تودهٔ ایران در میانه، نمایشگاه‌عکسی برپاشد، که بااستقبال‌مردم روبرو شد.

## درجنگ عادلانه برضد رژیم صدام حسین وبرای دفاع ازمیهن انقلابی شرکت کنیم!

## رویدادهای جهان

### مردم افغانستان سومین سالگرد انقلاب خود را با شکوه تمام برگزار کردند

★ **افغانستان باردیگر آمادگی خود را برای مذاکره باایران و پاکستان اعلام کرد.**

مردم افغانستان دیروز سومین سالگرد انقلاب ثور (اردیبهشت) سال ۱۹۷۸ را جشن گرفتند. بهمین مناسبت درکابل مراسم رسمی برگزار شد که در آن ببرک‌کارمل رئیس شورای انقلاب افغانستان طی بیاناتی درباره پیشرفت‌های این کشور، سخن گفت. وی مناسبات جمهوری دمکراتیک افغانستان با کشورهای سوسیالیستی و مهمتر از همه اتحاد جماهیر شوروی را حائز اهمیت فراوان خواند وگفت «این روابط عامل مهمی در دفع تجاوز خارجی و دفاع از آزادی و استقلال و پیشرفت اجتماعی کشور است».

رهبران اتحاد شوروی و ازجمله لئونیدبرژنف و نیکلای‌تیخونف نیز به‌مناسبت سومین سالگرد پیروزی انقلاب افغانستان تلگرامهای شادباشی برای ببرک‌کارمل فرستادند. در این پیامها تاکید شده است: «افغانستان می‌تواند به همبستگی و کمك انترناسیونالیستی‌مردم شوروی در دفاع ازدستاوردهای انقلاب ماه ثور و تحقق هدفها ووظایف آن امیدوار باشد». در این تلگرامها همچنین آمده است: «اتحاد شوروی به سیاست خارجی سازنده و موقعیت افغانستان بعنوان کشور غیر متعهد احترام می‌گذارد».

از سوی‌دیگر شاه‌محمددوست وزیر امور خارجه افغانستان در آستانه سومین سالگرد پیروزی انقلاب در این کشور، باردیگر آمادگی دولت متبوع خویش را برای آغاز مذاکره با ایران و پاکستان برای حل و فصل مسائل مربوط به این کشور اعلام کرد. وی ضمن ادای این مطلب در گفتگو با یك خبرگزاری اطلاعاتی هندی افزود: «پیشنهادهای دولت افغانستان که در ماه مه سال گذشته عنوان شده بود، پایه و اساس پیشرفت در این راه است».

برای انجام یك دیدار دوستانه:

### رهبر لیبی وارد مسکو شد

معمر قذافی رهبر انقلاب لیبی دیروز (۷ اردیبهشت) برای انجام یك دیدار رسمی دوستانه وارد مسکو شد. وی هنگام ورود خود مورد استقبال لئونیدبرژنف دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی و صدر هیئت‌رئیسه شورایعالی این کشور و دیگر رهبران شوروی قرار گرفت. در جریان دیدار وی ازاتحاد شوروی، گفتگوهای ۲روزه‌ای در سطح عالی بعمل خواهد آمد. در مسکو اظهارنظر می‌شود که روابط دوستی بین دو کشور براساس تامین سودمتقابل گسترش یابد.

### در حمله جدید ارتش اسرائیل به‌جنوب‌لبنان، ۱۲ تن کشته شدند

جنگنده‌های اسرائیلی بار دیگر جنوب لبنان را بمباران کردند. در این حمله ۱۲ نفر کشته و ۳۰ نفر زخمی شدند. در جریان این حمله که توپخانه ارتش‌اسرائیل نیز در آن‌شرکت داشت، اطراف شهرهای صیدا و نبطیه به شدت زیر آتش قرار گرفت. از سوی دیگر سخنگوی فرماندهی نظامی سوریه اعلام کرد در جریان این حملات، جنگنده‌های سوریه به مقابله با بمب‌افکنهای اسرائیلی پرداختند و در نتیجه ۲ جنگندهٔ اسرائیل را سرنگون ساختند. در همین نبرد، یك جنگنده سوریه نیز سرنگون شد.


نامهٔ مردم

ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

دارندهٔ امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی

خیابان ۱۶ آذر شمارهٔ ۶۸

(دفتر «نامهٔ مردم» هنوز در اختیار «نامه مردم» نیست)

چاپ: کاویان

NAMEH MARDOM

No. 498

28 April 1981

Price:

| | | |
|---|---|---|
| West-Germany | 0.80 | DM |
| France | 2 | Fr. |
| Austria | 8 | Sch. |
| England | 20 | P. |
| Belginin | 10 | Fr. |
| Italy | 350 | L. |
| U.S.A. | 40 | Cts |
| Sweden | 1.50 | Skr. |

خوانندگان گرامی «نامه مردم» و همهٔ مقامات دولتی و غیردولتی میتوانند به‌آدرس‌زیر با «نامه‌مردم» مکاتبه کنند:

صندوق پستی ۴۱/۳۵۵۱، منطقه ۱۴ پستی تهران


## گرامی باد خاطرهٔ تابناك شهدای انقلاب وطبقهٔ کارگر ایران

# از شهادت کارگران انقلابی «جهان‌چیت» ده‌سال گذشت

سه‌شنبه ۸ اردیبهشت ۵۰، کشتار کارگران، کارخانهٔ جهان چیت.

ده سال پیش، در هشتم اردیبهشت سال ۵۰، کارگران کارخانه جهان چیت کرج، بوسیله نیروهای سرکوبگر شاه جلاد، گلوله‌باران شدند.

رژیم سفاك شاه آمریکایی، در آستانه اول ماه مه، جز ضرب مذاب «عیدی» دیگری نداشت، تا نثار طبقه کارگر ایران کند و جز دستهای غرقه در خون زحمتکشان کارنامه‌ای دیگر نمی‌شناخت.

پنج‌سال قبل از کشتار سال ۵۰ کارگران، در کارخانه جهان چیت، با فریاد اعتراض علیه استثمار وحشیانه و بر ضد ساعات طولانی کار روزانه، کارگران به‌یك اعتصاب دوهفته‌ای دست زدند وعلی‌رغم شلاق نابکار ساواك و زنجیر حیوانی شکنجه‌های آریامهری‌پاره‌ای از خواست‌های خویش را عملی کردند، بطوری که هشت‌ساعت‌روزانه کار در کارخانه رسمیت یافت.

اما در طلیعه دهه پنجاه، رژیم‌آمریکایی، که تا بن دندان علیه جنبش مردم زحمتکش ایران و جنبش‌های‌رهایی‌بخش منطقه مسلح‌شده بود و هیچ زمزمه اعتراضی را تاب نمی‌آورد، تیرباران انقلابیون و بخاك‌وخون کشیدن تظاهرات دانشجویی و جنبش اعتراضی زحمتکشان را یگانه راه ماندگاری خویش دانست.

در اردیبهشت ماه سال۵۰، کارگران جهان‌چیت در اعتراض به‌پایمال شدن حقوق اولیه خویش و بمنظور مقابله با زالوصفتی سرمایه‌داران طاغوتی، که رگ و ریشه آنان در کاخهای شاه‌ملعون بود، با شعار افزایش دستمزد، دست به‌یك تحصن سه‌روزه زدند. دسیسه‌های نابکارانه، فتنه‌گریها و سیاست تحبیب و تهدیدغارتگران بی‌اثر بود. کارگران از زندگی در «بهشت آریامهری» بتنگ‌آمده بودند و از هیچ‌چیز خویش در راه دست‌یافتن به کمترین نیازهای یك زندگی انسانی دریغ نداشتند. سرانجام کارگران از کارخانه بسوی تهران حرکت کردند و مقصد راهپیمائی خویش را «وزارت کار» اعلام داشتند.

این اقدام کارگران بسیار گویا و پرمعنی بود. آخر کارگران «وزارت کار» را بدرستی «وزارت کارفرما» می‌دانستند و کمترین فاصله یا تفاوتی میان کارفرما و دولت، یعنی نماینده سرمایه‌داران وابسته به امپریالیسم نمی‌دیدند. آری، طبقه کارگر ایران تمام‌نظام منفور گذشته را هدف گرفته بود. هرچند بسیاری از روشنفکران انقلابی آن زمان از قبول سرشت پیشتاز انقلابی و آگاهی تاریخی طبقه کارگر سر باز می‌زدند.

اما بیش‌از چندساعت از راهپیمائی کارگران نگذشت که، در حوالی کاروانسرا سنگی، چوب و چماق مزدوران رژیم پهلوی بر آنها باریدن گرفت و همچون دفعات پیش، صدالبته، کمترین خللی در اراده آنان وارد نیاورد. آنگاه گل مذاب سرب در سینه‌ها کبود رفت و سرخ در تن آنان شکفت. سه‌تن از کارگران به اسامی حسن نیکوکار، وجیه‌الله حشم فیروز و علی کارگر جان دادند و بسیاری دیگر زخمی شدند، اما رزم اعتصابی زحمتکشان از پای درنیامد، نهالی که در خون نشست، از جوشش کار و همبستگی انقلابی زحمتکشان توان گرفت و تناور شد، تا دشمن را کمتر از هشت‌سال بعد، به‌مغاك سرنوشت محتوم همه‌جباران سرنگون کرد.

**امروز طبقه کارگر ایران یاد شهدای قهرمان خویش را درآن روزگار سخت سال‌های ۵۰ و نیز دیگر شهدای راه رهایی را، با دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، گرامی می‌دارد.** باهوشیاری و اتحاد دربرابر دسیسه‌هایی که از جانب دشمن اصلی طبقه کارگر جهان، یعنی امپریالیسم، بسرکردگی امریکا، علیه انقلاب و مبارزه برحق مردم ایران در جهت دست‌یافتن به استقلال، آزادی و ترقی اجتماعی ساخته و پرداخته می‌شود، **طبقه کارگر ایران پرچم خونین مبارزه تاریخی خود را همچنان پیشاپیش صفوف هم‌میهنان خود بر دوش دارد.**

**و این پرچمی است که تا نابودی امپریالیسم، از دست‌نخواهد گذارد.**

درود بر کارگران شهید جهان چیت!

جاودان‌باد خاطره شهدای طبقه کارگر و انقلاب!

### اسرائیل و جدائی‌طلبان به تحریکات مسلحانه خود در لبنان ادامه میدهند

اوضاع لبنان همچنان وخیم است. گزارش‌های رسیده از بیروت حاکی از درگیریهای سخت میان راستگرایان مسیحی و «نیروهای پاسدار صلح عرب» در مناطق کوهستانی پایتخت است.

اسرائیل و مزدوران جدایی‌طلب سعد حداد همچنان به تحریکات مسلحانه خود در جنوب لبنان ادامه میدهند.

**معاون وزارت خارجه آمریکا: سیاست ما و چین درباره اتحاد شوروی، پاکستان و افغانستان یکسان است**

والتر ستل، معاون وزارت‌خارجه ایالات‌متحده آمریکا، گفت‌که: «**سیاست آمریکا و چین در برابر اتحاد شوروی یکسان است**». وی، در سخنرانی در لوس‌آنجلس، اعتراف کرد که این‌سیاست همچنین درباره افغانستان و افزایش توان نظامی پاکستان‌یکسان است.

یك کارشناس آمریکایی:

### زیردریایی‌های آمریکا خطری فزاینده برای کشتیرانی دریائی هستند

روبرت اویریش کارشناس آمریکایی در رشته ناوگان‌موشکی و هسته‌ای ضمن مصاحبه‌ای زیر دریایی‌های آمریکا را برای کشتیرانی دریایی خطری فزاینده خواند. وی که در مصاحبه با یك روزنامه چاپ توکیو سخن می‌گفت ضمن اشاره به برخورد زیردریایی‌هسته‌ای جرج‌واشنگتن به یك کشتی ژاپنی که منجر به‌کشته‌شدن ناخدا و عده زیادی از ملوانان آن شد گفت: «بعید نیست که روزی چنین سانحه‌ای برای یك کشتی نفتکش بسیار بزرگ روی دهد زیرا اکنون زیردریایی‌های آمریکا در تمام راههای‌اصلی‌دریایی‌اقیانوس هند و آرام رفت و آمد می‌کنند».

### گشایش دومین کنگره سازمان اقتصاددانان جهان سوم در کوبا

دومین کنگره سازمان اقتصاددانان جهان سوم در کوبا، با شرکت بیش از ۶۰۰ نماینده‌از ۱۱۰ کشور جهان کار خود را آغاز کرد. در مراسم افتتاحیه این کنگره، فیدل کاسترو رهبر جمهوری سوسیالیستی کوبا طی سخنانی، کشورهای غرب را به «غارت بیرحمانه ذخایر کشورهای رو به توسعه» متهم کرد.

در جریان‌این کنگره‌شرکت‌کنندگان بررسی‌هائی را در زمینه‌های تورم، بیکاری و سیستم اقتصادی کشورهای سرمایه‌داری جهان انجام خواهند داد.

### سیاست...

**مردم ایران صفحه جدیدی در تاریخ کشور خود گشودند»**

کاروردی امان‌وردیفه، ضمن ابراز خرسندی از سیاست پشتیبانی دولت شوروی از انقلاب ایران گفت:

**«این سیاست کشور ما از این خواست سرچشمه میگیرد که ایران کشوری مستقل و دارای حق حاکمیت باشد»**

وی در این زمینه، بویژه، سخنان **لئونید برژنف**را درکنگره بیست و ششم کمونیست‌های شوروی مبنی برحمایت از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران یادآور شد.

### شعارشعر نیست،...

بقیه از صفحه ۷

ضد انقلاب، پیروان «خط برژنسکی»،چهره‌ها و چهنماها، ماتوئیستهای آمریکائی، با ساختن و پخش شعارهای انحرافی، عرض خود بیشتر میبرند و زحمت ما را افزون می‌کنند.

بر نیروهای انقلابی است که شعار «مرگ بر آمریکا» را بعنوان شعار خط اصلی مبارزه انقلابی با قوت و قدرت حفظ کنند، طنین آنرا در سطح کشور هرچه رساتر کنند، فقط شعارهائی را ترویج کنند که مضمون آنها بیانگر خط اصلی مبارزه انقلابی، خط مبارزه با امریکا، با امپریالیسم، بسرکردگی امریکا، باشد.

این وظیفه نیروهای انقلابی، وظیفه همه نیروهای انقلابی‌است.

**برای مقابله با تجاوز نظامی آمریکا، تمام‌خلق بایدازنظرنظامی‌مجهزشود!**